

نگاهی کوتاه به

زندگی و اندیشه‌های

حضرت آیت‌الله العظمی منتظری

(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)

WWW . AMONTAZERI . COM

WWW . MONTAZERI . BIZ



﴿ فهرست ﴾

۷	مقدمه.....
۹	از کودکی تا جوانی.....
۱۰	مهاجرت به قم.....
۱۳	اساتید.....
۱۵	مبارزات آزادی خواهانه.....
۲۴	نقش آیت الله العظمی منتظری در پیروزی انقلاب اسلامی.....
۲۷	همراه با انقلاب پس از پیروزی.....
۳۹	تلاش پیگیر و مستمر در چند بعد.....
۴۰	دیدگاهها و نقطه نظرها در رابطه با حکومت اسلامی.....
۵۰	قائم مقامی رهبری و پیامدهای آن.....
۵۷	جایگاه علمی فقیه عالیقدر.....
۵۸	آیت الله العظمی منتظری در کلام بزرگان.....
۶۸	روش فقهی.....
۷۰	روش تدریس.....
۷۱	آثار علمی.....
۷۴	شاگردان.....
۷۸	رحلت.....

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

مقدمه:

مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ حسینعلی منتظری، اندیشمند و متفکر بزرگ اسلامی است که به دلیل نقش مؤثرش در انقلاب اسلامی ایران و موضع‌گیریهای علمی و سیاسی قابل توجهی که در نیم قرن اخیر داشته است، در ردیف مهمترین شخصیت‌های علمی و انقلابی جهان معاصر قرار دارد.

این مرجع آزاده که جمع‌کننده کثیری از شیعیان ایران و جهان در احکام اسلام از او پیروی می‌کنند، بیش از سایر مراجع تقلید در معرض قضاوت عمومی قرار دارد.

کسی که در مهمترین حادثه ایران معاصر، یعنی تأسیس نظام جمهوری اسلامی، دومین شخصیت محسوب می‌شود، مورد بی‌مهری مقامات این نظام قرار گرفت. وی به دستور شاگردان ناسپاس خویش به جرم نصیحت و خیرخواهی بیش از پنج سال در منزل مسکونی‌اش زندانی بوده و در طی دو دهه اخیر بیشترین محدودیت‌ها نسبت به او اعمال شده است.

بسیاری در جهان و بویژه در سرزمین‌های اسلامی علاقه‌مندند اطلاعاتی در مورد زندگی این انقلابی‌کهنسال داشته باشند؛ لذا چکیده‌ای از اطلاعات مربوط به شخصیت، زندگی و دیدگاه‌های این حکیم متأله و فرزانه تقدیم می‌گردد.

﴿ از کودکی تا جوانی ﴾

حسینعلی منتظری در سال ۱۳۰۱ خورشیدی (۱۳۴۰ هجری قمری - ۱۹۲۲ میلادی) در شهر نجف‌آباد - ۲۴ کیلومتری غرب اصفهان - در خانواده‌ای زحمتکش به دنیا آمد.

پدر ایشان مرحوم حاج علی، کشاورز ساده‌ای بود که در کنار کار روزانه‌اش با کتاب و کتابخانه دمساز، و معلم اخلاق و مدرّس قرآن بود؛ و با این دو توشه پراچ سالهای پایانی عمر شریف خود را به رغم سختی روزگار با منبر و محراب گذراند، و تا سال ۱۳۶۸ خورشیدی که روی در نقاب خاک برکشید لحظه‌ای از آموختن و آموزش باز نایستاد. مادر ایشان بانویی متقی و پرهیزگار بود که در تربیت و رشد دینی او سعی وافر داشت، تا آنجا که در دوران شیرخوارگی همواره تلاش می‌کرد با وضو به فرزند خود شیر دهد، و در دوران کودکی او را همراه خود به مجالس آموزش قرآن و سخنرانی می‌برده تا از این طریق روحیه مذهبی فرزند خود را آماده‌تر و افزون‌تر سازد. او در سال ۱۳۴۹ خورشیدی اندکی پس از آزادی فرزندش از زندان شاهنشاهی دارفانی را وداع گفت؛ رحمة‌الله علیهما.

آیت‌الله منتظری از هفت سالگی آموختن را با ادبیات فارسی و سپس صرف و نحو عربی آغاز کرد، و در سن ۱۲ سالگی با ورود به حوزه علمیه اصفهان مسیر خویش را به سوی پیشرفت علمی انتخاب

کرد. او هفت سال در اصفهان با تلاشی تحسین‌انگیز بسیاری از کتابهای فقهی، ادبی و فلسفی را به‌تنهایی یا نزد اساتید بزرگی چون حاج آقا رحیم اریاب و حاج شیخ محمدحسن عالم نجف‌آبادی خواند، و در جوانی آموزگار بنام آن علوم گردید.

در سن ۱۹ سالگی در حالی که به دلیل جهد وافر در فراگیری علم و دانش فردی سرآمد گشته بود، اصفهان را به قصد ادامه تحصیل در قم ترک نمود.

﴿ مهاجرت به قم ﴾

سال ۱۳۲۰ خورشیدی که آیت‌الله منتظری به قم آمد، شروع تحولات چشمگیر در زندگی علمی ایشان بود. در بدو ورود به قم با عالم اندیشمند علامه مرتضی مطهری آشنا گردید، و این دو در کنار یکدیگر برای خودسازی و اصلاح جامعه جهادی بزرگ را آغاز نمودند و فعالیت‌های علمی خود را روز بروز گسترش دادند.

پیرامون نحوه آشنایی و مصاحبت این دو عالم فرزانه، فقیه عالیقدر این‌گونه بیان می‌دارند:

«در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی در سن نوزده سالگی برای ادامه تحصیل به تشویق بعضی دوستان از اصفهان عازم قم شدم و در مدرسه مرحوم حاج ملاصادق ساکن شدم و مدت کمی نزد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالرزاق قائینی استفاده کردم؛ و پس از چندی در مدرسه فیضیه در درس سطح کفایه، جلد اول باب اوامر که توسط مرحوم آیت‌الله آقای حاج

سید محمد محقق یزدی معروف به «داماد» تدریس می‌شد شرکت کردم؛ مجموع شرکت‌کنندگان از ده نفر کمتر بودند. پس از چند روزی یک نفر از شرکت‌کنندگان که به نظر می‌رسید چند سالی از من بزرگتر است پیشنهاد کرد مطالب درس را با یکدیگر بحث کنیم... بتدریج ارتباط و علاقه ما به یکدیگر بیشتر می‌شد؛ و در بحث به مطالب درسی قناعت نمی‌کردیم، بلکه مسائل مختلف اسلامی و حتی مسائل فلسفی و عرفانی را در حدود استعدادمان مورد مذاکره قرار می‌دادیم؛ این جوان باهوش و خوش استعداد و پرکار و با همت و متقی و مقید به آداب و سنن اسلامی، مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ مرتضی مطهری فریمانی خراسانی بود، اعلی‌الله مقامه و رفع فی الخلد درجته. باری ایشان در مدرسه فیضیه سکونت داشتند و من هم به اصرار ایشان به مدرسه فیضیه منتقل شدم، و بتدریج در زندگی و دخل و خرج و درس و بحث و گردش و تفریح و حضور در مجالس و محافل دینی و اخلاقی با یکدیگر ملازم بودیم؛ و هرچند از نظر مادی هر دو با عسرت و سختی می‌گذرانیدیم، ولی با درس و مذاکره و شرکت در بعضی محافل و انجمن‌های آموزنده مخصوصاً درس اخلاق حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی که عصرهای پنجشنبه و جمعه در مدرس مدرسه فیضیه تدریس می‌شد دلخوش بودیم؛ و چند ماهی نیز به درس رسائل حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی حاضر می‌شدیم؛ و سپس از درسهای خارج مرحوم آیت‌الله داماد و آیت‌الله حجت تبریزی استفاده می‌کردیم؛ و من شخصاً حدود یک سال نیز از درس مرحوم آیت‌الله حاج سید صدرالدین صدر بهره بردم. ضمناً هر دو نفر دواور نسبت به مرحوم آیت‌الله العظمی آقای حاج آقا حسین بروجرودی که در آن زمان در

بروجرد به سر می بردند ارادتی خاص پیدا کردیم؛ چنان که مرحوم آیت الله مطهری در تابستان ۱۳۶۲ قمری و من در تابستان ۱۳۶۳ قمری به بروجرد رفتیم و با درس و مذاق آن مرحوم آشنا شدیم، و پس از اینکه آن مرحوم در محرم ۱۳۶۴ قمری به دعوت بزرگان و اساتید قم از جمله حضرت آیت الله العظمی امام خمینی به قم آمدند، ما دو نفر از ملتزمین درس اصول و فقه آن مرحوم شدیم؛ و ضمناً منظومه حکمت و سپس مبحث نفس اسفار را نزد آیت الله خمینی می خواندیم.

پس از چندی چون درسهای مرحوم آیت الله بروجردی عمومی و شلوغ بود و ما احتیاج داشتیم به یک درس خصوصی که بتوانیم در آن بحث آزاد داشته باشیم، لذا مباحث عقلیه اصول را نیز نزد آیت الله خمینی شروع کردیم؛ و از اینجا دروس عالی آیت الله خمینی در حوزه علمیه قم پایه گذاری شد. همچنین من و شهید مطهری غیر از مباحث فقهی و اصولی، جلد اول اسفار را نیز با یکدیگر بحث می کردیم، و هرکدام نیز جداگانه حوزه تدریس داشتیم؛ و درشبهای پنجشنبه و جمعه نیز در جلسه بحث فلسفی آیت الله علامه طباطبائی شرکت می کردیم، و همین بحثها پایه کتاب اصول فلسفه شد. این جریان حدود ده سال برقرار بود...»^(۱)

﴿ اساتید ﴾

اساتیدی که آیت الله العظمی منتظری در دوران تحصیل از آنها بهره مند شده است عبارتند از:

الف: اساتید سطح

- ۱- مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدحسن عالم نجف آبادی در اصفهان: «شرح لمعه» و مقداری از «رسائل» و «مکاسب».
- ۲- مرحوم آیت الله سید مهدی حجازی در اصفهان: قسمتی از «رسائل».
- ۳- مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالرزاق قائینی در قم: قسمت هایی از کتاب «مکاسب».
- ۴- مرحوم آیت الله حاج آقا رضا بهاء الدینی در قم: قسمتی از «رسائل».
- ۵- مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد محقق داماد در قم: سطح «کفایه» و قسمتی از سطح «مکاسب».

ب: اساتید فلسفه، منطق، هیأت، نهج البلاغه و اخلاق

- ۱- مرحوم آیت الله العظمی خمینی: «منظومه حکمت»، کتاب «اسفار» از مبحث «نفس» تا آخر «معاد جسمانی» و نیز درس «اخلاق».
- ۲- مرحوم آیت الله علامه طباطبائی: مباحث پیش نویس درسهای «اصول فلسفه و روش رئالیسم».

- ۳- مرحوم آیت‌الله حاج آقارحیم ارباب در اصفهان: قسمتی از «منظومه منطقی».
- ۴- مرحوم حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ جواد فریدنی: قسمتی از «منظومه حکمت».
- ۵- مرحوم آیت‌الله حاج میرزا علی آقا شیرازی در اصفهان: «نهج البلاغه».
- ۶- مرحوم آیت‌الله مجدالعلماء در اصفهان: «هیأت» فارسی و «تشریح الافلاک» شیخ بهایی در علم هیأت قدیم.
- ۷- مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سیداحمد خوانساری در قم: کتاب «شوارق».

ج: اساتید خارج فقه و اصول

- ۱- مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی: قسمت اعظم «فقه و اصول».
- ۲- مرحوم آیت‌الله العظمی خمینی: خارج «اصول»، از اول جلد دوم کفایه تا آخر آن به مدت هفت سال که بسیاری از آنها تقریر شده ولی تاکنون به طبع نرسیده است.
- ۳- مرحوم آیت‌الله العظمی سید صدرالدین صدر: خارج «اصول» و «فقه».
- ۴- مرحوم آیت‌الله العظمی حاج سیدمحمد حجت: خارج «اصول».
- ۵- مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی: خارج «اصول».

﴿ مبارزات آزادی خواهانه ﴾

آیت‌الله العظمی منتظری از ابتدا بدون هیچ‌گونه تردید و با عزمی راسخ با نهضت امام خمینی همراه گردید؛ در حالی که بسیاری از علما و بزرگان حوزه نسبت به ماهیت و آینده این نهضت تردید داشته و حتی در موارد بسیاری با آن مخالفت می‌کردند، ایشان با جدیت تمام مبارزه را شروع کرد و در همه صحنه‌های مبارزه همراه با فرزندش حجة الاسلام محمد منتظری حضوری مستمر و مؤثر داشت؛ و در این مسیر تبعیدها، زندانها و شکنجه‌های بسیاری را تحمل نمود. چکیده‌ای از این مراحل عبارتند از:

۱- تثبیت مرجعیت آیت‌الله العظمی خمینی و بازداشت در سال ۱۳۴۲

پس از رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی (در سال ۱۳۴۰ شمسی) نظر بسیاری از بزرگان و اساتید حوزه علمیه متوجه آیت‌الله العظمی خمینی گردید؛ از جمله آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مطهری قائل به اعلامیت ایشان بوده و زعامت آیت‌الله خمینی را به صلاح اسلام و مسلمین تشخیص دادند.

پس از بازداشت آیت‌الله خمینی در جریان قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ ساواک قصد داشت به منظور خاموش کردن قیام و نهضت مردمی، آیت‌الله خمینی را اعدام نماید؛ لذا آیت‌الله منتظری ابتدا در مسجد جامع نجف آباد به عنوان حمایت از امام خمینی و اعتراض به بازداشت ایشان یک هفته تحصن عمومی برقرار نمود، و سپس در جریان

مهاجرت مراجع و علمای شهرستانها به تهران در اعتراض به بازداشت معظم‌له فعالانه شرکت کرد و جلسات علمای مهاجر را تنظیم و پربار نمود و در یکی از این جلسات تلگرامی مبنی بر حمایت از امام خمینی با عنوان «مرجعیت» تنظیم و با اصرار و درایت ایشان تمامی علمای حاضر در جلسه آن را امضا نمودند. این موضوع موجب خشتی شدن طرح ساواک و خشم رژیم گردید. رژیم با شناسایی آیت‌الله منتظری و با توجه به نقش مؤثر ایشان در مسأله، در صحن حضرت عبدالعظیم وی را دستگیر و پس از مدتی آزاد می‌نماید.

آیت‌الله منتظری با وجود خطرات بسیار امنیتی و مخالفت‌های بعضی از علما در حوزه علمیه قم با آیت‌الله خمینی و بی‌تفاوتی عده‌ای دیگر نسبت به نهضت اسلامی، طرفداری و حمایت همه‌جانبه خویش را از ایشان در همه حال اعلام می‌نمود و در این راه مشکلات بسیاری را به جان خرید.

۲- بازداشت به همراه فرزند در عید نوروز سال ۱۳۴۵

در عید نوروز سال ۱۳۴۵ به دنبال دستگیری حجة‌الاسلام محمد منتظری به دلیل پخش اعلامیه در صحن مطهر حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) ساواک بیدرنگ به سراغ آیت‌الله منتظری رفته و مجدداً ایشان را بازداشت نمود. در ابتدا به منظور واداشتن محمد به اعتراف علیه اساتید و فضیلاي مجاهد قم، او را با وحشیانه‌ترین شکنجه‌های قرون وسطایی تا سرحد مرگ شکنجه دادند. لخت کردن بدن و چسباندن به بخاری، شلاق زدن تا حد بیهوشی، زدن سیلی‌های پی‌درپی که منجر به عفونت گوش و بالاخره

کم شدن شنوایی و ضعف شدید بینایی در او گردید، بی‌خوابی دادندهای بسیار و ساعتهای متمادی سر یک پا نگه داشتن و زیر مشت و لگد انداختن و... از شکنجه‌هایی بود که به حجة‌الاسلام محمد منتظری دادند و حتی در حضور پدر او را زیر مشت و لگد انداخته تا شاید بتوانند ایشان را به اعتراف وادارند، و در پایان به سراغ خود آیت‌الله منتظری رفته و با گستاخی تمام آن مرد جلیل‌القدر را زیر سخت‌ترین شکنجه‌ها قرار دادند. مقاومت و پایداری قهرمانانه ایشان و فرزند برومندش الهام‌بخش پایداری و استقامت مبارزین در زندانها شده بود؛ و بالاخره اعتراض علما و روحانیون حوزه علمیه موجب شد تا ایشان پس از هفت ماه از زندان آزاد گردد.

۳- بازداشت در سال ۱۳۴۶

آیت‌الله منتظری چند ماه پس از آزادی از زندان جهت توسعه‌بخشی و تداوم جریان مبارزه ضرورتاً به طور مخفیانه برای زیارت عتبات عالیات و ملاقات با آیت‌الله خمینی راهی عراق شد، اما رژیم که از این سفر مطلع شده بود هنگام بازگشت از عراق ایشان را در منطقه مرزی دستگیر و روانه زندان کرد، که پس از تحمل حدود پنج ماه اذیت و آزار آزاد گردید.

۴- تبعید به مسجد سلیمان در سال ۱۳۴۶ (چند روز پس از آزادی از زندان)

رژیم در خارج از زندان نیز همیشه ایشان را تحت نظر داشته و در زمان برگزاری جشنهای تاجگذاری به عنوان راهکاری جدید تصمیم به

تبعید ایشان به مسجد سلیمان گرفت، که این تبعید سه ماه به طول انجامید. پس از آن در مسجد سلیمان به ایشان ابلاغ کردند که نباید به قم بروید، ولی ایشان به قم مراجعت نمود و با وجود ممانعت شدید ساواک عده زیادی از علما، اساتید و طلاب حوزه علمیه با ایشان دیدار کردند؛ تا اینکه از ناحیه ساواک ایشان را به نجف آباد منتقل نمودند و در آنجا تحت مراقبت شدید قرار دادند.

۵- بازداشت در سال ۱۳۴۷

هنوز چند ماهی از پایان تبعید به مسجد سلیمان و انتقال به نجف آباد نگذشته بود که به دلیل ادامه فعالیت‌های مبارزاتی و روشنگری‌های آیت‌الله منتظری - بویژه در خطبه‌های نماز جمعه که ایشان آن را در نجف آباد پایه گذاری کرده بود - ساواک مجدداً ایشان را دستگیر و پس از محاکمه فرمایشی به سه سال زندان و در دادگاه تجدیدنظر به یک سال و نیم زندان محکوم کرد و به زندان قصر انتقال داد.

۶- تبعید دوباره به نجف آباد در سال ۱۳۴۹

آیت‌الله منتظری پس از سپری کردن دوران محکومیت، در اردیبهشت ۱۳۴۹ آزاد و راهی قم گردید؛ ولی رژیم که از حضور ایشان در میان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم هراسناک بود دوباره وی را به زادگاه خود تبعید نمود. ایشان در نجف آباد به فعالیت‌های خود ادامه داده و در ضمن ایراد خطبه‌های نماز جمعه و سخنرانی‌های خود جنایات رژیم را افشا می نمود. هجوم جمعیت در روزهای جمعه از

شهرهای دور و نزدیک به نجف آباد به اندازه‌ای بود که این شهر به عنوان دومین پایگاه انقلاب بعد از قم درآمده بود و گزارش ساواک اصفهان در مورد آن چنین بود: «نماز جمعه منتظری یک پایگاه سیاسی برای مبارزه با رژیم است». مدت تبعید به نجف آباد مجموعاً حدود سه سال به طول انجامید.

۷- تبعید به شهر کویری طبس در سال ۱۳۵۲

بار دیگر رژیم حضور آیت‌الله منتظری در زادگاه خود را تحمل نکرد و ایشان را به سه سال تبعید در طبس محکوم نمود. حضور ایشان در طبس باعث اجتماع مبارزین گردید. طبق گفته مقامات امنیتی شهر طبس، در طول اقامت ایشان علاوه بر مردم شهر، نزدیک به پنجاه هزار نفر از مردم شهرهای دیگر ایران برای دیدار با او وارد طبس شدند؛ که همین رقم بزرگ دیدارکننده موجب وحشت ساواک و انتقال ایشان از طبس پس از گذشت یک سال گردید.

از جمله اقدامات مهم آیت‌الله منتظری در طبس، نامه سرگشاده به علما و مردم مسلمان ایران در مورد اتحاد علیه امپریالیسم و صهیونیسم بود، که خشم رژیم را برانگیخت و طبق اسناد به جای مانده از ساواک عده زیادی - از جمله حجة الاسلام والمسلمین خامنه‌ای - به جرم توزیع این اعلامیه دستگیر و یا تحت تعقیب قرار گرفتند.

۸- تبعید به خلخال در سال ۱۳۵۳

تسلیم ناپذیری و ترس رژیم از ثمربخشی روزافزون آیت‌الله

العظمی منتظری چنان شد که در اواسط سال ۱۳۵۳ رژیم به تبعید مجدد وی تصمیم گرفت و ایشان را از طبس به خلخال تبعید نمود. از آنجا که زبان مردم آن سامان آذربایجانی بود نفوذ آیت‌الله منتظری در آغاز سرعت چندانی نیافت، اما هرگز به دلیل اختلاف زبان حاضر به سکوت و سکون نشد، و بالاخره یکی از امام جماعت‌های آن شهر مسجد خود را در اختیار ایشان قرار داد. این مسجد نوساز که توسط هیأت امنای اداره می‌شد، مکان مناسبی جهت بسط و گسترش اندیشه‌های اصلاح‌گر و زندگی‌ساز اسلام گردید. ایشان نماز در آن مسجد را آغاز کرد و همچون سایر تبعیدگاه‌های خویش در بین نماز تفسیر قرآن می‌گفت. هر روز تعداد نمازگزاران بیشتر و فضای مسجد برای تبلیغ نهضت اسلامی آماده‌تر می‌شد. مأموران رژیم و امانده از این بی‌باکی غیرمنتظره تبعیدی به هراس افتاده و از راه‌های مختلف در جهت تضعیف آیت‌الله منتظری کوشیدند و در نهایت پس از گذشت حدود چهار ماه ایشان را به تبعیدگاه سقز منتقل نمودند.

۹- سقز آخرین تبعیدگاه

در تبعیدگاه سقز - با وجود زمستانی بسیار سخت و حداقل امکانات شهری - آیت‌الله منتظری آخرین دوران تبعید خویش را گذراند. با وجود دوری از شاگردان و دوستان و اختلاف با مردم بومی منطقه از نظر مذهب و زبان، ساواک از دیدار مردم با ایشان دچار نگرانی شده و از مرکز خواستار تصمیم‌گیری در این زمینه شد؛ از طرف دیگر در ارتباط با برگزاری مراسم سالگرد پانزده خرداد در مدرسه فیضیه قم که

دهه‌ها نفر از دوستان و شاگردان ایشان دستگیر شده و ساواک به ارتباط دستگیرشدگان با آیت‌الله منتظری پی برده بود، تصمیم به بازداشت و انتقال ایشان به تهران گرفت.

۱۰- بازداشت از تبعیدگاه سقز و انتقال به زندان اوین در سال ۱۳۵۴

در تیرماه ۱۳۵۴ آیت‌الله منتظری را از تبعیدگاه سقز روانه زندان نمودند. ابتدا او را به بازداشتگاه کمیته مشترک تهران بردند و فردای آن روز روانه زندان اوین کردند. در اوین مدت شش ماه را در سلول انفرادی گذراند. در این بازداشتگاهها با شدیدترین فشارهای روحی و جسمی روبرو گردید. در زیر همین فشارها و شکنجه‌ها بود که شکنجه‌گر بیرحم «ازغندی» به ایشان گفته بود: «علت این که تو را از حوزه دور نگه می‌داریم و از این طرف به آن طرف می‌فرستیم این است که یک خمینی دیگر به وجود نیاید!».

پس از شش ماه بلاتکلیفی در زندان اوین بالاخره در یک دادگاه نظامی و فرمایشی به اتهام کمک به جنبش اسلامی و خانواده زندانیان سیاسی و اقدام برای تشکیل حکومت اسلامی، به ده سال زندان محکوم گردید؛ اما در زندان نیز همراه بزرگانی همچون آیت‌الله طالقانی به فعالیت‌های اسلامی و سیاسی ادامه داد. با اینکه در زندان از بیماریهای مختلف رنج می‌برد، خارج بحث «خمس» و متن «اسفار» و کتاب «طهارت» را برای فضیلتی زندانی تدریس نمود و شخصیت‌های بزرگ زندانی همچون آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مهدوی‌کنی در مجالس بحث ایشان حاضر می‌شدند.

زندانیان سیاسی دوران آخر رژیم پهلوی از تقوای سیاسی آیت‌الله العظمی منتظری سخن‌های فراوان دارند؛ در ازای هر حرف حقی که می‌زد هیچ‌گونه پرده‌پوشی نمی‌کرد، اما در مورد آنچه مربوط به دیگران بود نهایت کوشش را در رازداری می‌نمود. هنگامی که تعدادی از حقوق بشری‌های اروپا از کشور بلژیک برای بازدید زندانهای ایران به کشورمان آمده بودند و ساواک آنها را به زندان اوین برده بود، با تعداد انگشت‌شماری از زندانیان از جمله آیت‌الله منتظری دیدار کردند، مسئولین زندان مصرانه از آیت‌الله منتظری خواستند که در مقابل خارجی‌ها صحبت از شکنجه نکند تا آبروی ایران محفوظ بماند. وقتی هیأت بازدید‌کننده در مورد وجود شکنجه سؤال می‌کردند، عموماً یا سکوت کردند و یا شکنجه را تکذیب نمودند، اما آیت‌الله منتظری در پاسخ چنین سؤالی به زبان انگلیسی جایی که مترجم و بسیاری از سران ساواک هم حاضر بودند گفت: «من این سؤال را نمی‌توانم پاسخ بگویم» و بدین وسیله و با این جمله کنایه‌آمیز از چهره ساواک و جنایت‌های آن پرده برداشت.

آیت‌الله منتظری در زندان اوین نیز نماز جمعه را اقامه نمود و تمام زندانیان سیاسی مسلمان از جمله حضرات آقایان: طالقانی، مهدوی‌کنی، هاشمی رفسنجانی، لاهوتی و دیگران در نماز جمعه حاضر می‌شدند؛ هرچند ساواک پس از مدتی مانع اقامه آن شد.

سرانجام با اوجگیری مبارزات ملت قهرمان ایران و عقب‌نشینی‌های پی‌درپی رژیم شاه، آیت‌الله منتظری پس از گذراندن حدود سه سال و نیم از دوران محکومیت به همراه مرحوم آیت‌الله طالقانی در هشتم آبان ۱۳۵۷ از زندان آزاد شدند و مورد استقبال

چشمگیر مردم قرار گرفتند.

در پیامی که امام خمینی خطاب به آیت‌الله العظمی منتظری به مناسبت آزادی ایشان صادر کردند فرمودند:

«هیچ از دستگاه جبار جنایتکار تعجب نیست که مثل جنابعالی شخصیت بزرگوار خدمتگزار به اسلام و ملت را سالها از آزادی، ابتدایی‌ترین حقوق بشر محروم، و با شکنجه‌های قرون وسطایی با او و سایر علمای مذهب و رجال آزادیخواه رفتار کند. خیانتکاران به کشور و ملت از سایه مثل شما رجال عدالتخواه می‌ترسند. باید رجال دین و سیاست دربند باشند تا برای اجانب و بستگان آنان هرچه بیشتر راه چپاول بیت‌المال و ذخائر کشور باز باشد».

میزان مقبولیت و محوریت آیت‌الله منتظری در مبارزه و انقلاب تا آنجا بود که آیت‌الله خمینی در زمان تبعید، ایشان را به عنوان نماینده تام‌الاختیار خویش در ایران منصوب کرد و در نامه‌ای از ایشان خواستند که بر جریانات بیت معظم‌له اشراف داشته باشند؛ و همواره درباره ایشان با تعبیری همچون «فقیه عالیقدر»، «مجاهد بزرگوار»، «حاصل عمر من»، «ذخیره انقلاب» و «برج بلند اسلام» یاد می‌کردند و حیثیت ایشان را «واجب المراعات» دانسته و پس از پیروزی انقلاب بسیاری از مسائل فقهی و سیاسی مربوط به قوه قضائیه و وزارتخانه‌ها را به ایشان ارجاع می‌دادند، و در آخرین نامه‌ای که به ایشان منسوب شده است فرمودند: «همه می‌دانند که شما حاصل عمر من بوده‌اید و من شدیداً به شما علاقه‌مندم... من صلاح شما و انقلاب را در این می‌بینم که شما فقیهی باشید که نظام و مردم از نظرات شما استفاده کنند».

﴿ نقش آیت‌الله العظمی منتظری در پیروزی انقلاب اسلامی ﴾

نقش آیت‌الله العظمی منتظری را در طول سالهای نهضت اسلامی می‌توان در ابعاد گوناگون مورد اشاره قرار داد، که به طور اجمال عبارتند از:

۱- بُعد فکری و سیاسی:

آیت‌الله منتظری در بعد فکری همواره می‌کوشید در شرایطی که اندیشهٔ جهاد و مبارزه با طاغوت در جامعه و حوزه‌های علمیه متروک شده بود، فرهنگ مبارزه و جهاد را در اقشار مردم بخصوص قشر جوان، اعم از روحانی و دانشگاهی، ریشه‌دار و عمیق گرداند؛ و از این رو پیوسته به قشر تحصیل‌کرده و روشنفکران مذهبی و نقش مهم این قشر در بیداری و رشد فکری جامعه توجه خاصی داشت و همواره تلاش می‌نمود بدینی و فاصلهٔ موجود بین این دو قشر را که رژیم گذشته روی آن سرمایه‌گذاری زیادی نموده بود از بین برده و تبدیل به اخوت و برادری و به صورت یک جبهه در برابر استبداد نماید.

تأسیس نمازجمععه در نجف‌آباد و سپس در اصفهان و بعضی نواحی آن و در تبعیدگاهها و زندانها و طرح مسائل حکومت اسلامی در خطبه‌های نمازجمععه در آن شرایط خفقان، نشانهٔ بارزی از توجه ایشان به بعد فکری و عقیدتی نهضت اسلامی است.

از نظر سیاسی نیز حمایت معظم‌له از نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی اثر عمیقی در بین حوزه‌ها و اقشار مردم داشت؛ زیرا در آن

شرایط که اکثر روحانیون و بویژه سالخوردگان روحانی و معمرین حوزه‌ها از ادامهٔ نهضت و گسترش آن چندان استقبال نمی‌کردند، حمایت شخصیتی علمی و فقهی همچون آیت‌الله العظمی منتظری که مراتب علمی ایشان مقبول تمام علما و جوامع حوزوی و دینی بود، آثار غیرقابل انکاری در مشروعیت و مقبولیت و گسترش نهضت اسلامی داشت.

۲- حمایت از مرجعیت و رهبری امام خمینی:

در شرایط خفقان آن زمان تثبیت مرجعیت و رهبری امام خمینی یکی از اهداف مهم آیت‌الله العظمی منتظری بود. ایشان پس از توجه و عنایت به بُعد علمی و فقهی امام و شروع درس خارج اصول نزد ایشان به همراه مرحوم آیت‌الله مطهری و تثبیت موقعیت علمی و تدریسی امام در حوزهٔ علمیهٔ قم، همزمان با شروع نهضت اسلامی به همراه مرحوم آیت‌الله ربانی شیرازی و جمعی از علما و فضلالی میرز حوزهٔ علمیهٔ قم به بُعد مرجعیت ایشان توجه نمودند و با تأیید کتبی آن و دادن اعلامیه قدم بزرگی در این راه برداشتند که منجر به بازداشت و تبعید همگی به نقاط بد آب و هوا شد.

البته نقش قوی شهید حجة الاسلام محمد منتظری نیز در این مرحله نسبت به گرفتن تأیید کتبی برای مرجعیت امام از علما و مدرسین حوزه و برخورد صریح و قاطع او با کارشکنی‌ها و احیاناً محافظه‌کاریهای معمول آن روزگار، بسیار ارزنده و فراموش‌نشدنی است.

اقدامات مهم آیت‌الله منتظری در جریان مهاجرت مراجع و علمای

شهرستانها به تهران در اعتراض به بازداشت امام خمینی و تلاش ایشان و نیز آیت‌الله امینی جهت تهیه مقدمات تنظیم و ارسال تلگراف از طرف مراجع و علمای مهاجر به امام به عنوان «مرجع تقلید شیعیان» در تثبیت مرجعیت و رهبری رهبر فقید انقلاب نقش زیادی داشت. همچنین در آن مقطع حساس از تلاش آیت‌الله منتظری در مورد تعطیل نشدن شهریه امام در دوران تبعید نباید غفلت کرد.

۳- تنظیم اعلامیه‌ها و نشر آنها:

شکی نیست که بیانیه‌های منتشره بر علیه استبداد نقش بزرگی در به‌پاداشتن پرچم جهاد و مبارزه داشته است. طبق اسناد ساواک آیت‌الله منتظری پشتوانه اصلی اکثر بیانیه‌ها و جزوات مخفی و نشریات از داخل حوزه علمیه قم بر علیه رژیم دیکتاتوری شاه بوده است، و لذا به دنبال انتشار هر بیانیه ساواک کنترل روی معظم‌له را بیشتر می‌نمود. البته نقش بارز مرحوم آیت‌الله ربانی شیرازی، شهید آیت‌الله صدوقی، شهید آیت‌الله سعیدی و تلاش خستگی‌ناپذیر شهید حجة الاسلام محمد منتظری و تعدادی از فضلا و طلاب مبارز آن روزگار نیز نباید فراموش گردد.

۴- حمایت‌های مالی از نهضت اسلامی و افراد مبارز:

نقش حمایت‌های مالی در هر نهضتی و تداوم آن قابل تردید و انکار نیست. فقیه عالیقدر حمایت مالی از نهضت اسلامی و افراد مبارز و خانواده‌های زندانیان را یکی از وظایف اصلی خود می‌دانست. در

شرایطی که رهبر نهضت اسلامی در حال تبعید به سر می‌برد و بیت ایشان در قم زیر نظر و کنترل شدید مأموران ساواک قرار داشت و عملاً ارتباط مبارزین با رهبری نهضت به کلی قطع یا بسیار ضعیف بود، نقش آیت‌الله العظمی منتظری در تأیید و حمایت مالی نهضت اسلامی و مبارزان مسلمان کاملاً محسوس بود و ساواک نیز آن را به‌خوبی می‌دانست؛ و لذا یکی از موارد اتهامی ایشان در محاکم فرمایشی، حمایت از نهضت اسلامی و کمک به خانواده‌های زندانیان سیاسی می‌باشد.

با توجه به موارد فوق به‌خوبی در می‌یابیم که آیت‌الله العظمی منتظری پس از امام خمینی بالاترین نقش را در پیشبرد نهضت اسلامی ایفا کرده است، و در حقیقت می‌توان گفت معظم‌له پس از امام خمینی «معمار بزرگ انقلاب اسلامی» به شمار می‌آید؛ این واقعیت به‌خوبی از بیانات علما و شخصیت‌های مبارز و انقلابی استفاده می‌شود، که برای اطلاع بیشتر توصیه می‌شود به متن سخنان و مصاحبه‌های این بزرگان - که در جلد دوم کتاب «فقیه عالیقدر» درج شده است - مراجعه شود.

﴿ همراه با انقلاب پس از پیروزی ﴾

پس از پیروزی انقلاب آیت‌الله العظمی منتظری همواره محل مراجعه اقشار مختلف مردم و فضلا و طلاب حوزه‌های علمیه بود، و پیوسته گروهی از خبرنگاران خارجی و رسانه‌های جهانی با ایشان در مورد اهداف انقلاب و برنامه‌های آن مصاحبه می‌نمودند. در همان

روزهای نخستین انقلاب، اقامه رسمی نماز جمعه در سراسر کشور مورد توجه ایشان قرار گرفت و طی دیداری با امام خمینی خواستار تعیین ائمه جمعه شهرستانها توسط معظم له شدند و امام مایل بودند فقیه عالیقدر شخصاً متصدی آن شوند. آنگاه مرحوم آیت الله طالقانی از طرف امام خمینی به امامت جمعه تهران منصوب شد و برای مراکز استانها نیز ائمه جمعه تعیین و بتدریج در اکثر نقاط کشور این سنت بزرگ احیا و اقامه شد.

با شروع مقدمات انتخابات خبرگان قانون اساسی و به دنبال تقاضا و اصرار عده‌ای از نیروهای اصیل انقلاب و فضلالی حوزه، ایشان نامزد شرکت در انتخابات خبرگان از تهران شد؛ و پس از انتخاب با رأی بالا از سوی مردم تهران، به ریاست مجلس خبرگان برگزیده شد.

هم زمان با کار خبرگان آیت الله طالقانی به لقاء الله پیوست و فقیه عالیقدر به امامت جمعه تهران منصوب شد و تا پایان کار خبرگان این امامت ادامه یافت؛ و پس از آن هنگام مراجعت به حوزه علمیه قم، مراتب را به استحضار امام رساند و معظم له تعیین امام جمعه تهران را به نظر و صلاحدید خود ایشان موکول فرمودند؛ ایشان نیز حجة الاسلام والمسلمین خامنه‌ای را به امام معرفی نمود و امامت جمعه تهران از سوی امام (ره) به مشارالیه محول شد.

آیت الله العظمی منتظری پس از بازگشت به حوزه علمیه قم بنابر نظر و تأکید امام خمینی امامت جمعه شهرستان قم را برای مدتی به عهده گرفت و سپس از آیت الله مشکینی خواست تا ایشان متصدی آن شود.

فقیه عالیقدر در تمام مراحل و مسائل از ارائه تذکرات و پیشنهادات مفید و لازم دریغ نمی‌ورزید، و با آنکه در حوزه علمیه قم اشتغال کامل به تدریس و تحقیق و تألیف کتب علمی داشت ولی چون بیت ایشان محل مراجعه مسئولین مملکتی و اقشار مختلف مردم بود معظم له عملاً مطمئن‌ترین وسیله ارتباط مردم با امام و نظام شده بود و در دیدارها یا مکاتبات و مراسلات خود با امام و مسئولین نظام خواسته‌ها و نظریات مراجعین و احیاناً کمبودها و یا خطاها و اشتباهات را منعکس می‌نمود. ایشان بر مشارکت همه مردم و گروههای سیاسی و استفاده از همه تفکرات و قابلیت‌ها - اعم از موافق و مخالف - تأکید می‌ورزید؛ و حتی نسبت به جریان‌های منحرف و ضد انقلاب، اعتقاد به جذب و هدایت آنان داشت و بر رعایت حقوق آنان - بویژه زندانیان - اصرار می‌ورزید. آیت الله العظمی منتظری برخلاف رویه معمول قدرتمندان که در زمان تصدی قدرت، یا کمتر به حقوق مخالفان می‌پردازند و یا آن را قربانی مصالح روبنایی و داد و ستدهای سیاسی می‌نمایند، در همان هنگامه قدرت بالاترین مصلحت را دفاع از حقوق و آزادیهای اساسی انسانها می‌دانست و در این راه حاضر به مسامحه و مصالحه نبود، و برای دفاع از حقوق کسانی که اعتقاد آنان را قبول نداشت قدرت و موقعیت خود را از دست داد.

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، آیت الله العظمی منتظری کمک‌ها و حمایت‌های فراوانی را نسبت به جبهه‌ها مبذول می‌داشت؛ و مکرراً توصیه و سفارشهای لازم را در جلسات خصوصی و عمومی به مسئولین و فرماندهان ارتش و سپاه گوشزد می‌کرد و عملاً نیز

بسیاری از بستگان خود را راهی جبهه‌های نبرد نمود، از جمله می‌توان حضور مکرر مرحوم حاج‌علی منتظری والد مکرّم ایشان و نیز فرزندان و نوه‌های معظم‌له را در خطوط مقدم جبهه‌ها نام برد که در نهایت فرزند برومند ایشان حجة الاسلام سعید منتظری بینایی یک چشم و شنوایی یک گوش خود را در جبهه از دست داد، و یاسر رستمی یکی از نوادگان معظم‌له به درجه رفیع شهادت نایل آمد.

حضور نزدیکان آیت‌الله منتظری در جبهه‌ها و کمک‌های ایشان مانع از آن نمی‌گردید که ایشان نظرات و انتقادات خود نسبت به روند جنگ را ابراز ندارد و بر اشتباهات و کاستی‌های آن سرپوش گذارد. آیت‌الله منتظری پس از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱ مصرّانه بر خاتمه جنگ تأکید می‌ورزید، که این نظر در ابتدا با موافقت امام خمینی همراه بود ولی متأسفانه با اصرار و گزارشات نادرست برخی از فرماندهان سپاه و مسئولان جنگ نظر امام خمینی بر ادامه جنگ قرار گرفت، و در نهایت موجب از دست رفتن فرصت‌ها و بروز خسارت‌های فراوان گردید و امام خمینی ناچار به پذیرش قطعنامه در سال ۱۳۶۷ شدند.

فقیه عالیقدر با هوشیاری خاص خود و احساس همبستگی شدید با مردم و انقلاب و حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها، در هر فرصت امور مهمی را عملی و یا راهکارهایی را در رابطه با موضوعات مختلف پیشنهاد می‌داد که در تاریخ انقلاب ثبت شده است. از جمله می‌توان به امور ذیل اشاره نمود:

۱- اقدام برای تأسیس «شورای مدیریت حوزه علمیه قم»؛ که پس از کسب موافقت امام خمینی مشروط بر توافق با آیت‌الله العظمی

گلپایگانی، سه نفر از اساتید و فضایی حوزه علمیه توسط معظم‌له و به نیابت از امام و سه نفر از طرف آیت‌الله العظمی گلپایگانی تعیین و به کار مشغول شدند. ضمناً ایشان از حمایت‌های مالی و فکری این شورا و رفع مشکلات و موانع مختلف آن در هر فرصتی دریغ نمی‌کرد.

۲- اقدام به تشکیل «مجمع نمایندگان طلاب حوزه»؛ این اقدام زمانی انجام شد که فقیه عالیقدر احساس کردند نقطه نظرات طلاب شهرستانها در مسائل حوزوی مربوط به خودشان باید لحاظ شود.

۳- تأسیس «جامعه الامام الصادق (ع)»؛ این اقدام به دنبال احساس این ضرورت صورت پذیرفت که جمهوری اسلامی نیاز به کادرهای ورزیده و مسلط به علوم و زبانهای زنده دنیا دارد تا بتواند اهداف خود را به مردم دنیا اعلام نماید. و ضمن تعیین آیت‌الله مهدوی‌کنی جهت ریاست و سرپرستی دانشگاه از سوی آیت‌الله العظمی منتظری، حضرات آیات و حجج اسلام: مشکینی، نوری همدانی، امینی، خامنه‌ای و امامی کاشانی و چند تن از معتمدین و افراد خبیر برای عضویت هیأت امنای آن معین شدند. طبق اساسنامه این جامعه ریاست عالیّه این دانشگاه نیز بر عهده فقیه عالیقدر تا زمان رحلت قرار داشته، که البته بر خلاف صراحت این اساسنامه امور این دانشگاه بدون هماهنگی با ایشان انجام پذیرفته است!

۴- اقدام به تشکیل «دانشکده قدس» وابسته به جامعه الامام الصادق (ع)؛ به دنبال درخواست بعضی مسئولین سفارت فلسطین در تهران از معظم‌له مبنی بر جذب جوانان مسلمان فلسطین جهت بالا بردن سطح معلومات علمی و مذهبی آنان، ایشان از مسئولین

جامعه الامام الصادق علیه السلام خواستند تا دانشکده‌ای بدین منظور تأسیس گردد. مقدمات تأسیس این دانشگاه فراهم گشت ولی متأسفانه با تغییر شرایط عملی نشد.

۵- تأسیس «مرکز جهانی علوم اسلامی» در قم؛ این اقدام زمانی انجام شد که دسته دسته از علاقه‌مندان انقلاب اسلامی از کشورهای مختلف به حوزه علمیه قم جهت کسب علوم اسلامی وارد می‌شدند و حوزه توان جذب آنان را نداشت.

۶- تأسیس چهار مدرسه با برنامه‌های مخصوص در حوزه علمیه قم که عبارت بودند از مدارس: «رسول اکرم صلی الله علیه و آله»، «امام باقر علیه السلام»، «امام صادق علیه السلام» و «بعثت»؛ این اقدام زمانی انجام شد که جاذبه انقلاب و حوزه علمیه هزاران جوان مشتاق را از شهرهای دور و نزدیک مجذوب فراگیری علوم اسلامی نموده بود و مدارس حوزه علمیه و شورای مدیریت نیز ظرفیت و توان جذب و اداره آنان را نداشت.

۷- تأسیس «مدرسه عالی تخصصی»؛ این مدرسه به دنبال تأکید معظم‌له بر لزوم تخصصی نمودن رشته‌های گسترده فقه شیعه تأسیس شد و گام‌های مفیدی را پیمود، ولی با تغییر شرایط روند رشد آن متوقف گردید.

۸- ایجاد مدارس علمیه در خارج کشور جهت تربیت طلاب خارجی در کشورهای خود؛ پس از تأسیس مرکز جهانی علوم اسلامی در حوزه علمیه قم، فقیه عالیقدر به این حقیقت توجه نمودند که ایجاد مدارس علمیه در هر کشور و اعزام اساتید از حوزه علمیه به خارج از جهاتی پرفایده‌تر می‌باشد، در این رابطه در بعضی کشورها نظیر

«سیرالئون» و «کنیا» مدارس و مراکزی بدین منظور ایجاد گردید.

۹- تعیین نماینده برای انجمن اسلامی دانشجویان خارج کشور؛ این اقدام پیرو تقاضاهای مکرر اعضای انجمن مزبور صورت گرفت. نماینده معظم‌له ضمن حضور در جلسات و سمینارهای آنان در خارج کشور، علاوه بر ابلاغ رهنمودهای فکری و سیاسی فقیه عالیقدر مساعدتهایی را نیز به عمل می‌آورد.

۱۰- بازسازی و گسترش مدرسه دارالشفاء قم؛ هزینه ساختمانی و تجدید بنای این مدرسه از طرف یکی از افراد خیر، زیر نظر و با اشراف فقیه عالیقدر تأمین شد. در طرح بازسازی منازل متعددی از اطراف مدرسه توسط ایشان خریداری و جزو مدرسه قرار گرفت. علاوه بر بازسازی اصل مدرسه به شکل جدید و با مدرسهای متعدد جهت تدریس عمومی حوزه، قسمت مجهز و جداگانه‌ای جهت مرکز مدیریت حوزه و تشکیل جلسات و سمینارها و میزگردها و دیگر نیازهای عمومی حوزه در نظر گرفته شد و سالهاست که این قسمت مورد استفاده قرار گرفته است.

۱۱- ایجاد «مرکز بزرگ اسلامی» در کردستان؛ به دنبال مراجعات مکرر روحانیون اهل سنت به فقیه عالیقدر و اظهار نیاز به مرکزی جهت فراگیری علوم دینی و توجه به امور تبلیغی و فکری آن منطقه، معظم‌له ضمن مشورت با امام خمینی اقدام به تأسیس آن نمود، که خدمات زیادی را بخصوص در ایام جنگ تحمیلی و با توجه به بحران منطقه انجام داده است.

تأسیس این مرکز موجب شد تا حدود زیادی روحانیون اهل سنت

به کشورهای هم‌چون عراق، پاکستان و حجاز محتاج نشوند. اقدامات مشابهی نیز در منطقه زاهدان و تربت جام و ترکمن صحرا توسط ائمه جمعه و بعضی از روحانیون منطقه با اشراف و تأکید ایشان انجام شد، ولی هیچ کدام ثبات و استحکام مرکز بزرگ اسلامی کردستان را پیدا نکرد.

۱۲- اعزام هیأت‌هایی به کشورهای مختلف جهت تبیین اهداف انقلاب اسلامی؛ این اقدام به دنبال اعلام جمعه آخر ماه رمضان به عنوان روز جهانی قدس از طرف امام خمینی صورت گرفت، و اولین اقدامی بود که در این رابطه با چنان محتوا و انگیزه از طرف جمهوری اسلامی انجام می‌شد.

۱۳- تشکیل اولین سمینار ائمه جمعه داخل و خارج کشور؛ این اقدام مهم پس از اقدام معظم‌له در جهت احیا و اقامه سنت نماز جمعه در کشور صورت گرفت. محل برگزاری سمینار مزبور مدرسه فیضیه بود، شروع سمینار با پیام معظم‌له و با حضور شخصیت‌های روحانی و سیاسی کشور انجام شد.

۱۴- اعلام «هفته وحدت»؛ این اقدام در راستای احساس نیاز جهان اسلام به وحدت کلمه و تشکیل یک جبهه اسلامی قوی به دور از اختلافات مذهبی و قومی بود. مورخین اهل سنت میلاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را «دوازده ربیع‌الاول» ذکر کرده‌اند، ولی اکثر مورخین شیعه «هفته ربیع‌الاول» را میلاد آن حضرت می‌دانند. بدین لحاظ آیت‌الله العظمی منتظری دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول را به عنوان هفته وحدت اعلام نمود، و مورد استقبال عمومی داخل و خارج کشور و

حضرات مراجع وقت و شخص امام خمینی و نهادها و ارگانهای انقلاب و شخصیت‌های سیاسی و دینی قرار گرفت.

۱۵- اعلام «هفته ولایت و امامت»؛ معظم‌له در سال ۱۳۶۴ از روز «هجدهم تا بیست و پنجم ذیحجه» را به عنوان هفته ولایت و امامت اعلام نمود، و این عمل مورد استقبال علاقه‌مندان و محبان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام قرار گرفت. مناسبت هفته ولایت این است که روز هجده ذیحجه «عید غدیر» و روزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور خداوند حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را به عنوان امام و خلیفه خود معرفی نمودند. در روز بیست و چهارم ذیحجه نیز دو جریان مهم تاریخی در طی سالیانی چند رخ داده است: یکی قضیه مباحله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با نصاری نجران و نزول آیه مباحله، و دیگری داستان حضرت علی علیه‌السلام که انگشتر قیمتی خود را به سائل در حال رکوع نماز بخشیدند. و در روز بیست و پنجم ذیحجه جریان سه روز روزه‌داری حضرت علی علیه‌السلام، حضرت فاطمه علیه‌السلام، امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام و مراجعه «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» به آن حضرات و اعطای قوت حاضر در منزل به آنان و افطار نمودن با آب و نزول سوره «هل اتی» رخ داده است.

۱۶- اعلام روز پانزدهم شعبان المعظم - روز میلاد حضرت ولی عصر (عج) - به عنوان «روز جهانی مستضعفین».

۱۷- به وجود آوردن جریان «وحدت حوزه و دانشگاه»؛ ایشان از همان روزهای نخستین انقلاب در اندیشه نزدیک نمودن حوزه و دانشگاه بود و جلسات متعددی به این منظور از طرف ایشان و احیاناً با

شرکت معظم‌له تشکیل گشت، تا بالاخره روز شهادت آیت‌الله دکتر مفتاح رسماً به عنوان روز وحدت حوزه و دانشگاه نامگذاری شد و به همین مناسبت هر ساله مراسمی از طرف فضلالی حوزه در دانشگاه و از دانشگاهیان در حوزه برگزار می‌شود.

۱۸- اعزام هیأتی به افغانستان جهت برقراری آتش‌بس بین گروه‌های مجاهد شیعه؛ در سالهای ۶۳ و ۶۴ که بین گروه‌های مبارز شیعه افغانی جنگ داخلی شدیدی در جریان بود و بیش از هزار نفر کشته شده بودند، معظم‌له هیأتی را با هماهنگی سپاه و وزارت خارجه به افغانستان اعزام داشت. مسئولیت این هیأت علاوه بر آتش‌بس، ایجاد شوراهای قضایی در مناطق مختلف و آزاد شده آن و رسیدگی به اوضاع مدارس علمی و روحانیت آن سامان بود.

۱۹- تعیین قضات شرع و ائمه جمعه برای خارج کشور؛ به دنبال تقاضاهای مکرر از افغانستان و لبنان، امام خمینی مسئولیت نصب قاضی و امام جمعه در خارج از ایران را به آیت‌الله العظمی منتظری محول نمودند. به دنبال دستور امام ایشان در مورد افغانستان که مناطق زیادی از آن آزاد شده بود، اقدام به تعیین قضات شرع برای دادگاه‌های انقلاب و ائمه جمعه آن مناطق نمود. البته حکم قضات شرع محدود به یک سال بود و پس از انقضای مدت در صورت مطلوب بودن عملکرد قضات حکم آنان را مجدداً تمدید می‌کردند.

۲۰- ایجاد «مرکز تربیت مدرس معارف برای دانشگاه‌ها»؛ به دنبال اعزام نمایندگانی از طرف ایشان به دانشگاه‌ها جهت تدریس معارف اسلامی و احساس نیاز به تربیت اساتیدی قوی و مناسب با فضای

دانشگاه‌ها، فقیه عالیقدر مرکزی را به همین منظور در محل مدرسه دارالشفاء قم تأسیس نمودند و تعداد زیادی از طلاب فاضل به تحصیلات مربوطه مشغول شدند. فارغ‌التحصیلان دوره اول این مرکز اکنون جزو بهترین اساتید معارف دانشگاه‌ها هستند و مشغول به کار می‌باشند.

۲۱- تشکیل ستاد مرکزی جهت تقسیم اراضی موات بین فاقدین زمین؛ پس از احاله امر رسیدگی اراضی بزرگ و موات از طرف امام خمینی به آیت‌الله العظمی منتظری و آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مشکینی، و تنظیم طرحی جامع از سوی آنان و وزارت کشاورزی، ستادی مرکب از هفت نهاد و ارگان مسئول اجرای طرح مذکور شد.

برای نظارت دقیق بر اجرای آن، قضات شرعی از طرف آیت‌الله العظمی منتظری مسئولیت آن را به عهده داشتند و اشراف بر کار ستاد مرکزی و تعیین سرپرست آن و تأمین هزینه قضات ناظر در شهرستانها به عهده معظم‌له بود. این ستاد هزاران هکتار اراضی موات را بین کشاورزان مستضعف و فاقد سرمایه و زمین کافی تقسیم نمود و به وضعیت اراضی بزرگ مالکان نیز با حق اعمال ولایت که از طرف امام به ایشان محول شده بود رسیدگی کرد.

۲۲- اعزام هیأت ویژه به لبنان جهت برقراری آتش‌بس بین گروه امل و حزب‌الله؛ این اقدام به دنبال جنگ داخلی شدیدی بود که بین دو گروه شیعی لبنان در آن سالها اتفاق افتاد و صدها مسلمان از طرفین کشته و مجروح شده بودند.

۲۳- تشکیل ستاد کمک‌های مردمی به جبهه‌ها؛ هنگام جنگ تحمیلی

یکی از مراکز حمایت و کمک‌رسانی به رزمندگان، دفتر آیت‌الله العظمی منتظری بود. با افتتاح حساب مخصوصی به نام معظم‌له، اقشار مختلف مردم کمکهای نقدی زیادی به این شماره واریز نمودند؛ و ایشان ستادی متشکل از نمایندگان ارتش، سپاه، بسیج و جهاد تشکیل دادند تا نیازهای ارگانهای خود در جبهه را مشخص کرده و کمکهای مربوطه را هماهنگ نمایند. فقیه عالیقدر خود نیز نمایندگانی را در ستاد فوق‌تر قرار داد تا به طور منظم به جبهه‌ها بروند و نیازهای غیرتسلیحاتی رزمندگان را شناسایی و تأمین نمایند.

۲۴- تشکیل «دادگاه عالی انقلاب در قم»؛ این اقدام مهم زمانی صورت گرفت که گزارشات متعددی از رویه ناهماهنگ دادگاههای انقلاب به ایشان می‌رسید و این احساس به وجود آمد که این احکام ناهماهنگ باعث تضعیف و وهن دادگاههای انقلاب می‌شود. فقیه عالیقدر پس از تشکیل دادگاه عالی انقلاب با اختیاراتی که از طرف امام خمینی داشتند، به شورای عالی قضایی پیشنهاد کردند تا بخشنامه‌ای رسمی به تمام دادگاهها و دادرهای انقلاب صادر نماید مبنی بر اینکه تمام پرونده‌های اعدام و صادره‌های بیش از پانصد هزار تومان باید قبل از صدور حکم به دادگاه عالی فرستاده شود تا براساس اظهارنظر دادگاه عالی، دادگاه بدوی حکم را انشاء نماید. به برکت دادگاه عالی هزاران نفر از اعدام نجات یافتند و پس از آزادی از زندان در مسیر زندگی قرار گرفتند.

۲۵- اعزام نماینده به داخل زندانها جهت بررسی امور زندانیان؛ این اقدام به دنبال نامه‌ها و شکایات مختلفی بود که از سوی زندانیان و

خانواده‌های آنان به دست ایشان می‌رسید.

۲۶- تشکیل «هیأت عفو زندانیان»؛ این اقدام هنگامی صورت گرفت که طبق گزارشات نمایندگان ایشان از داخل زندانها، پاره‌ای از زندانیان از گذشته خود نادم و متمایل به نظام و یا بی‌تفاوت شده بودند و ایشان اصرار داشت این‌گونه افراد نباید در زندان نگاه داشته شوند. اعضای این هیأت عبارت بودند از حضرات آیات و حجج اسلام: محمدی گیلانی، ابطحی کاشانی، موسوی بجنوردی و قاضی خرم‌آبادی. لازم به ذکر است که کار این هیأت تهیه لیست از زندانیانی بود که می‌بایست مورد عفو و بخشش قرار می‌گرفتند و پس از تأیید وزارت اطلاعات، فقیه عالیقدر از طرف امام خمینی آنان را مورد عفو قرار می‌داد.

﴿ تلاش پیگیر و مستمر در چند بعد ﴾

با نگاهی کوتاه به زندگی حضرت آیت‌الله العظمی منتظری قبل از پیروزی انقلاب و بعد از آن، این حقیقت به‌خوبی دیده می‌شود که معظم‌له همواره در چند بعد تلاش و حرکت مستمر داشته است. در دوران مبارزه با طاغوت هیچ‌گاه تلاش و حرکت علمی و فقهی در حوزه و تدریس و تحقیق، ایشان را از رسالت مبارزه با دستگاه جلاد شاه باز نمی‌داشت؛ همان‌گونه که مبارزه نیز ایشان را از کارهای علمی و حوزوی خود باز نداشت، تا آنجا که ایشان زندانها و تبعیدگاههای خود را همواره و در حد امکان تبدیل به مرکز مطالعه علمی و فقهی و در حد میسور بحث و تحقیق می‌نمود، که به عنوان مثال می‌توان شروع بحث

تحقیقی «خارج خمس» در زندان اوین برای شخصیت‌های عالم و فاضل هم‌بند خویش و تدریس «طهارت» و «اسفار» را یادآور شد.

فقیه عالیقدر زندگی را بدون حرکت در راستای «جهاد» و «اجتهاد» بدون مفهوم می‌دانست و از همان هنگام جوانی پیوسته تمام لحظات عمر ایشان با دو عنصر یاد شده ترسیم گشته است. پس از پیروزی انقلاب نیز هیچ‌گاه مراجعات مردمی و ملاقاتهای اقشار مختلف و توجه به اهداف انقلاب و انجام کارها و ارائه پیشنهادات ابتکاری و خلاق، ایشان را از وظیفه اصلی خود یعنی کارهای علمی و تدریس و تربیت شاگرد و تألیف کتب فقهی باز نداشت، چنانکه کارهای علمی نیز مانع توجه به مسئولیت حمایت از نظام و انقلاب نگردید.

﴿ دیدگاهها و نقطه نظرها در رابطه با حکومت اسلامی ﴾

با اندک توجه به اظهارات و نقطه نظرات فقیه عالیقدر در طول ده سال بعد از پیروزی انقلاب و نیز سالهای پس از آن، در خواهیم یافت که ایشان در مسائل گوناگون حوزه و انقلاب و نظام و شکل مدیریت کشور نقطه نظرها و دیدگاههای مفیدی داشته‌اند.

هرچند اموری که به طور خیلی فشرده و مجمل برشمرده شد در اثبات این معنا کفایت می‌کند، ولی با تأمل در گفتارها و رهنمودهای مردمی ایشان در طول سالهای قائم‌مقامی و پس از آن - که اکثراً توسط رسانه‌های گروهی منتشر شده است - نقطه نظرهای دیگری نیز به دست می‌آید که اجمالاً به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

۱- تأکید بر هماهنگی ارکان مختلف نظام:

پس از احیای سنت نماز جمعه و نصب ائمه جمعه از طرف امام خمینی و توجه مردم به آنان و دستیابی ائمه جمعه به نفوذ کلمه و قدرت مردمی، قهرماً تنش‌هایی با نمایندگی‌های رسمی دولت یعنی استانداران و فرمانداران به وجود می‌آمد و احیاناً به تضاد و کشمکش‌های حادی می‌رسید و معمولاً با دخالت شخص حضرت امام یا فقیه عالیقدر و یا سایر شخصیت‌های صاحب نفوذ انقلاب حل و فصل می‌شد. در این مرحله آیت‌الله العظمی منتظری در رهنمودهای خود نسبت به وحدت و هماهنگی نظام تأکید می‌کرد و می‌گفت: کشور را با دو نظام ناهماهنگ نمی‌توان اداره نمود؛ در صدر اسلام نیز که حکومت اسلامی تشکیل شد یک نظام هماهنگ حاکمیت داشت، و بالاخره به یک شکلی باید این تضاد و دوگانگی را که هر روز در گوشه و کنار کشور به چشم می‌خورد تبدیل به وحدت و یگانگی حاکمیت نمود.

۲- حفظ شمول و سعه صدر ائمه جمعه نسبت به جناحها و افراد

مختلف:

معظم‌له در ملاقاتهای خود با ائمه جمعه - چه در سمینارها و یا در دیدارهای دیگر - همواره تأکید داشت که چون ائمه جمعه از طرف امام امت منصوب شده‌اند در حقیقت نمایندگان معنوی و فکری مقام رهبری می‌باشند و قهرماً باید همچون امام که نسبت به جریانات و

جناحها و افراد مختلف شمول و سعه صدر دارند آنان نیز چنین باشند و از گرایش و تمایل به جناح خاص یا افراد معینی پرهیز نمایند.

۳- پرهیز از خط بازی و گروه‌گرایی در گزینش‌ها:

ایشان همواره در دیدارهای مسئولین مربوطه تأکید داشت جذب و گزینش افراد برای مسئولیت‌ها باید بر اساس لیاقت و کاردانی و تقوای آنان باشد نه رفاقت و یا گروه‌گرایی؛ در یک برهه از سالهای گذشته ایشان احساس کرده بود که نیروهای اصیل انقلاب در حال حذف و انزوا قرار گرفته‌اند و لذا در رهنمودهای عمومی خود مسأله کودتای خرنده علیه نیروهای انقلاب را گوشزد کرده و هشدارهای بیدار کننده‌ای ارائه می‌داد.

۴- پرهیز از تجملات و اشرافیت:

آیت‌الله منتظری همواره به مسئولین و روحانیون و اقشار دیگر توصیه می‌نمود زندگی خود را در سطح پایین و نازلی نگاه دارند، و اگر فرضاً شرایط بعضی امور را ایجاب کرده است به حداقل و اندازه ضرورت اکتفا نمایند. نسبت به مصرف‌گرایی غلط که متأسفانه در بسیاری محافل و خانواده‌ها معمول است نیز هشدار داده و می‌گفت: مصرف زیاد نسبت به هر چیزی، علاوه بر آثار منفی روحی برای افراد موجب وابستگی کشور به اجانب و نیاز به استقراض از بیگانگان و وارد نمودن بی‌رویه کالاهای خارجی می‌شود.

۵- تغییر چهره جنگ «دولت ایران با دولت عراق» به جنگ «ملت عراق با حکومت عراق»:

پس از فتح خرمشهر و خارج شدن ارتش متجاوز بعث از کشور، معظم‌له بعد از اینکه به مسئولین بلندپایه پایان‌دادن جنگ را پیشنهاد نمود و مورد قبول قرار نگرفت، نسبت به تغییر چهره جنگ به «جنگ ملت مسلمان عراق با حکومت بعث» تأکید داشت و می‌فرمود: ترتیبی داده شود تا اسرا و سایر نیروهای عراقی مخالف حکومت بعث متصدی جنگ با صدام گردند و ارتش و سپاه جمهوری اسلامی پشتیبان و حامی آنها باشند، تا بهانه تبلیغاتی صدام مبنی بر جنگ عرب و عجم از او گرفته شود و به علاوه ملت مسلمان عراق انگیزه پیوستن به جبهه‌های جنگ علیه صدام را داشته باشند.

۶- پیشنهاد تشکیل دسته‌های چریکی و اعزام آنان به داخل عراق:

فقیه عالیقدر پس از بالا رفتن آمار شهدای جبهه‌ها و به دست نیاوردن پیروزی مورد نظر در حملات متعدد، پیشنهاد فوق را با مسئولین اداره جنگ مطرح نمودند.

۷- تأکید بر آزادی رسانه‌های جمعی - اعم از صدا و سیما و مطبوعات - و امکان استفاده همه جناحها و گروههای سیاسی و فکری از رسانه‌های جمعی:

ایشان کراراً در بیانات و دیدارهای خود با مسئولین مربوطه، آزادی بیان و قلم را مورد تأکید قرار می‌داد و یادآور می‌شد: بدون چنین آزادی و تضارب افکار و اندیشه‌ها ملت ما به استقلال و شخصیت فکری و سیاسی - که یکی از آرمانهای انقلاب است - نمی‌رسد.

۸- تأکید بر آزادی احزاب:

پس از تصویب قانون احزاب، معظم‌له همواره بر اجرای آن به دور از ملاحظات سیاسی اصرار داشت؛ و در پاسخ اینکه چگونه آزادی احزاب با ولایت فقیه منطبق می‌شود، اظهار می‌داشت: اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی مشخص است و احزاب مردمی و ملی در امور مربوط به مقدرات کشور و انقلاب حق اظهار نظر و دخالت دارند. ایشان در این رابطه یادآور می‌شد: اگر در جامعه ما احزاب سیاسی طبق قانون اساسی آزاد نباشند، قهراً گرایشهای سیاسی موجود در جامعه به شکل غیرقانونی و باندبازی و جریانهای مخفی درمی‌آیند و از طرفی روحانیت نیز از آثار منفی آن مصون نمی‌ماند و طبعاً انسجام لازم در جامعه و قداست روحانیت در معرض خطر قرار می‌گیرد.

۹- اصرار بر اجرای قانون شوراهای شهر و روستا:

آیت‌الله منتظری یادآور می‌شد: اگر بخواهیم مردم حکومت را از آن خود بدانند و پیوند آنها با مسئولین تقویت شود، باید به شکل قانونی آنها را در انتخاب و گزینش مسئولین شهرها و استانها شرکت و دخالت دهیم.

۱۰- توجه خاص به کشاورزی و تقویت آن:

معظم‌له کراراً خطر موج فزاینده شهرنشینی و کوچ کشاورزان به شهرها بخصوص تهران را متذکر می‌شد و عامل اصلی آن را کم‌توجهی به کشاورزی دانسته و می‌گفت: اگر برای کشاورز ماندن در روستا و پرداختن به کشاورزی صرف نکند، راهی جز کوچ کردن نخواهد داشت. از طرف دیگر جاذبه‌های شهرنشینی نیز مانند امکانات بیشتر و مواد غذایی ارزاتر و ... که در شهرهای بزرگ در مقایسه با روستاها وجود دارد، عامل دیگری برای کوچ کردن و ضربه وارد شدن به کشاورزی و در نتیجه وابستگی کشور در تأمین مواد غذایی به خارج خواهد بود؛ بنابراین این امکانات باید برای روستائیان نیز فراهم گردد تا انگیزه آنان برای مهاجرت به شهرها کمتر شود.

از طرفی اقتصاد کشور نباید تنها به نفت وابسته باشد، چرا که این منبع ممکن است روزی به پایان رسیده و کشور دچار مشکل گردد؛ بنابراین باید با اهمیت دادن به کشاورزی و سایر منابع و صنایع، اقتصاد کشور را از وابستگی به نفت خارج ساخت.

۱۱- تأکید بر حذف ارگانهای مکرر و ادغام در مشابه خود:

ایشان در مورد ادغام نیروهای مسلح طرحی تنظیم نمود و در اختیار مسئولین بلندپایه کشور قرار داد؛ بر اساس این طرح بیش از دو نیروی مسلح نیاز نیست: یکی «نیروی نظامی» برای حفظ مرزها و حدود و ثغور کشور، و دیگری «نیروی انتظامی» برای تأمین امنیت داخلی، و نام

هر کدام هر چه باشد مهم نیست. و قهراً ژاندارمری، کمیته و شهربانی در هم ادغام می‌شوند و یک نیروی واحد انتظامی به وجود می‌آید، و بسیج زیر نظر امام خواهد بود و به صورت ذخیره و پشتوانه مردمی و معنوی در مواقع ضروری با فرمان امام خمینی به پشتیبانی نیروهای نظامی و انتظامی خواهد رفت. بعدها قسمت زیادی از طرح مزبور تصویب و مورد عمل قرار گرفت.

معظم‌له در مورد سایر ارگانهای مکرر نظام، نظیر «صنایع نظامی ارتش و سپاه»، «سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات» و برخی از وزارتخانه‌ها نیز همین دیدگاه را ارائه می‌نمود.

۱۲- تأکید فراوان بر عمل همه ارگانهای نظام به قانون اساسی:

ایشان همواره یادآور می‌شد اگر نسل معاصر و مؤسس انقلاب به قانون اساسی که دستاورد مهم انقلاب است پایبند نباشند، چه توقعی از نسلهای آینده خواهیم داشت؟

۱۳- کیفیت اصلاح و تمیم قانون اساسی:

فقیه عالیقدر که خود ریاست خبرگان تدوین قانون اساسی را به عهده داشت، وجود برخی نواقص و ابهامات را در قانون اساسی قبول داشت ولی نسبت به زمان اقدام جهت تمیم و تکمیل آن با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی بعد از پایان جنگ و نیز مواد مورد اصلاح، نظریات و دیدگاههایی داشت که کتباً به اطلاع امام خمینی رساند.

۱۴- تأکید بر جذب مغزهای تحصیل کرده و متخصص که به دلایلی از کشور خارج شده‌اند:

آیت‌الله منتظری علاوه بر رهنمودها و تذکرات فراوان به مسئولین مربوطه، به نمایندگان اعزامی خود به خارج کشور نیز توصیه می‌کرد افراد علاقه‌مند به کشور را شناسایی نموده و آنان را تشویق به بازگشت به کشور نمایند. بالاخره با احساس نیاز فوق توسط مسئولین کشور، ترتیبی داده شد تا چند هیأت رسمی از طرف دولت بدین منظور به خارج کشور اعزام شوند.

۱۵- تأکید بر عدم تصدی پست‌های اجرایی توسط روحانیت:

ایشان طی گزارشات زیادی از حساسیت مردم نسبت به روحانیت به علت به دست گرفتن پست‌های چشمگیر نظیر ریاست جمهوری، ریاست مجلس، وزارت، وکالت و امثال آن و بدینی تدریجی به آنان مطلع بود و در فرصتهای گوناگون رشد این حساسیت و عواقب منفی آن را گوشزد می‌نمود و معتقد بود در صورت وجود فرد غیرروحانی که دارای لیاقت و تعهد لازم باشد، ضرورتی ندارد که این‌گونه مسئولیت‌ها را افراد روحانی در دست داشته باشند.

۱۶- تأکید بر اصلاح ساختار سیاسی نظام:

ایشان همواره نسبت به اصلاح ساختار سیاسی کشور و رفع نواقص و تضادها و کارآمد ساختن آن تأکید داشته‌اند. از نگاه ایشان توازن میان

«قدرت» و «مسئولیت» در واگذاری اختیارات به افراد و نهادها رعایت نشده است؛ و این عدم توازن بویژه در دو نهاد رهبری و ریاست جمهوری به چشم می‌خورد. از یک سو اختیارات فراوان به رهبری واگذار شده و مسئولیت و پاسخگویی او در برابر مردم یا نمایندگان آنان تعریف و تضمین نشده است، و از سوی دیگر وظایف و مسئولیت‌های زیادی بر عهده رئیس جمهور گذاشته شده ولی اختیاراتی متناسب با این مسئولیت به او اعطا نشده است.

در مورد نهاد ولایت فقیه، آیت‌الله منتظری در سالهای قائم‌مقامی نظریه «انتخاب» را در درس خارج خود مطرح نمود که بر اساس آن فقیه - هر چند جامع‌الشرایط باشد - بدون آرای مردمی هیچ‌گونه مشروعیتی نخواهد داشت؛ و اساساً حکومت یک قرارداد لازم میان مردم و حاکم یا حاکمان به شمار می‌آید که هر شرط معقول و مشروع در ضمن این قرارداد پذیرفتنی است. لذا چنانچه مردم بخواهند می‌توانند هنگام بیعت با حاکم یا حاکمان خود، اختیارات او را محدود، موقت و یا تفکیک نمایند؛ و حاکم یا حاکمان واجد شرایط منتخب از سوی مردم موظف به رعایت این شروط می‌باشند. بنابراین شکل حکومت اسلامی و ساختار نظام سیاسی در هر زمان باید بر اساس نیازها و شرایط - بنابر تشخیص کارشناسان و تصویب مردم - اصلاح گردد.

۱۷- توجه ویژه نسبت به نهادهای برخاسته از مردم:

اندیشه سیاسی آیت‌الله منتظری بر اهمیت دادن به نقش مردم در همه ارکان نظام اسلامی استوار است؛ نقشی که نه تنها در تحقق نظام بلکه

در مشروعیت آن ضروری و شرط لازم به شمار می‌آید. از این رو ایشان از همان زمان قائم‌مقامی بر این مهم تأکید می‌ورزید و نیز بر نقش نهادهای برخاسته از آرای عمومی - بویژه مجلس شورای اسلامی - تصریح داشت. در این راستا قرارداد دادن هر نهاد موازی با حق قانون‌گذاری مجلس یا هرگونه تفسیر یا تأویلی در این زمینه، مورد اعتراض ایشان و بر خلاف هدف و روح قانون اساسی قلمداد می‌گردید.

۱۸- اصرار بر حذف ارگانهای غیرقانونی:

ایشان از همان ابتدا بر حذف ارگانهایی که با اهدافی خاص و یا بر اساس ضرورت‌های اولیه انقلاب تشکیل شده و اکنون در چارچوب قانون نمی‌گنجد تأکید فراوان داشتند. ارگانهایی نظیر دادگاه انقلاب، دادگاه ویژه روحانیت و شورای عالی انقلاب فرهنگی از دیدگاه آیت‌الله منتظری برخلاف قانون اساسی و در تضاد با اهداف آن است.

۱۹- تأکید بر کرامت انسانی در نظام اسلامی:

آیت‌الله العظمی منتظری نسبت به حرمت و کرامت ذاتی انسانها - با هر عقیده و دیدگاهی که باشند - تأکید داشتند. از نگاه ایشان در حکومت اسلامی باید حقوق اساسی و بنیادین همه افراد جامعه محترم شمرده و از تضييع آن جلوگیری شود؛ و در این زمینه نباید اعتقادات مردم ملاک برتری قرار گیرد.

۲۰- اصرار بر رعایت حقوق مخالفان در حکومت دینی:

ویژگی برجسته اندیشه سیاسی آیت‌الله العظمی منتظری و نیز سیره عملی ایشان، رعایت حقوق مخالفان - اعم از مخالفان عقیدتی یا سیاسی - بویژه حقوق زندانیان بوده است. از نگاه ایشان اولاً زندانی سیاسی در اسلام سابقه ندارد و ثانیاً بر فرض پذیرش جرم سیاسی، این جرم باید در دادگاهی صالح و بی طرف و با رعایت حق دفاع برای متهم داشتن وکیل ثابت گردد؛ و بی طرفی دادگاه در صورتی تضمین می‌گردد که یا آن دادگاه منتسب به حکومت - که یک طرف دعوا در جرایم سیاسی است - نبوده و مرضی‌الطرفین باشد، و یا اگر منتسب به حکومت است حکم آن مبتنی بر رأی و نظر هیأت منصفه‌ای برخاسته از افسار مختلف مردم و غیرمنسوب از سوی حاکمیت باشد.

﴿ قائم مقامی رهبری و پیامدهای آن ﴾

آیت‌الله العظمی منتظری از همان آغاز نهضت اسلامی در میان مبارزان و مردم مسلمان ایران به عنوان جانشین امام خمینی مطرح بود. حتی اکثر کسانی که با مطرح شدن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی مخالف بودند به طور ضمنی شایستگی و رویکرد عمومی مردم به آیت‌الله منتظری را می‌پذیرفتند. حاج سیداحمد خمینی نیز در رنجنامه خود به این واقعیت اذعان می‌کند که قائم مقامی آیت‌الله منتظری در سال ۱۳۵۸ مطرح بوده است؛ هرچند او ادعا می‌کند که خودش در آن سال

این موضوع را مطرح کرده است.

پذیرش جانشینی آیت‌الله منتظری برای رهبری انقلاب اسلامی در حالی از سوی مردم صورت پذیرفت که شخصیت‌های بزرگوارى همچون آیت‌الله مطهری و آیت‌الله بهشتی در قید حیات بودند، و خود آنان نیز مؤید این مطلب بودند؛ آنجا که آیت‌الله بهشتی در نامه خود به امام خمینی دلایل مخالفت خود با برخی گروهها در ابتدای انقلاب را برمی‌شمرد، یکی از آن دلایل را مخالفت آنان با رهبری آینده آیت‌الله منتظری می‌داند. از همین روست که مجلس خبرگان رهبری اول نیز هنگام اعلام رسمی قائم مقامی ایشان این نکته را مورد نظر داشته و در مصوبه خود آن را به صراحت بیان می‌دارد و تصریح می‌کند:

«حضرت آیت‌الله منتظری دامت برکاته در حال حاضر مصداق منحصر به فرد قسمت اول از اصل ۱۰۷ قانون اساسی است و مورد پذیرش اکثریت قاطع مردم برای رهبری آینده می‌باشد، و مجلس خبرگان این انتخاب را صائب می‌داند.»

بنابراین پذیرش رهبری آینده آیت‌الله منتظری - همچون پذیرش رهبری امام خمینی - نه امری انتصابی و از سوی مجلس خبرگان یا دیگر نهادها بلکه مستقیماً توسط توده‌های مردمی صورت گرفت، و مصوبه خبرگان فقط جنبه اعلامی داشته و مهر تأیید بر آن بود.

از آنجا که آیت‌الله منتظری در سالهای مبارزه صادقانه و با ایمان و اخلاصی عمیق نسبت به اسلام مبارزه را ادامه داده بود و به آزادی و حریت انسان اعتقادی راستین داشت، پس از پیروزی انقلاب نیز همین سیر و سلوک را پی گرفت و مقام و قدرت نتوانست او را از عقایدش

دور سازد، لذا در برابر انحرافات و کج رویهای برخی مقامات خصوصاً برخوردارهای ناشایست و غیرانسانی با زندانیان سیاسی و اعدامهای بی رویه نمی توانست سکوت کند و ارزشهای والای اسلام و انقلاب را در ازای قائم مقامی رهبری قربانی نماید.

آنان که انقلاب را وسیله ای جهت رسیدن به اهداف دنیوی خویش (قدرت و ثروت) می دانستند، توان تحمل انتقادات و برخوردهای شفاف ایشان را نداشته و با لطایف الحیل و به کارگیری آخرین توان در پی حذف کامل آیت الله منتظری از صحنه های سیاسی و اجتماعی انقلاب برآمدند.

این برنامه با جوسازی و دروغ پراکنی نزد امام خمینی علیه آیت الله منتظری شروع گردید، و پس از دو سال ادامه این روند با ارسال نامه ای از بیت مرحوم امام با محتوایی بیگانه با فرهنگ ایشان در تاریخ ۱۳۶۸/۱/۶ به آیت الله منتظری وارد مرحله تازه ای شد، و سپس جواب ایشان در جهت واگذاری رهبری به انتخاب مجلس خبرگان به وسیله نامه ای در تاریخ ۱۳۶۸/۱/۷ و نهایتاً اعلام برکناری آیت الله منتظری از قائم مقامی رهبری (تحت عنوان استعفای ایشان) توسط رسانه های جمعی همزمان با نامه امام در تاریخ ۱۳۶۸/۱/۸ منتشر شد.

به دنبال این مسئله بلافاصله ادامه اقدامات به شکل تخریب دیوار و حصار اطراف بیت، محو و حذف نام و عکس های ایشان از کتب درسی، ادارات دولتی و معابر عمومی، تغییر نام خیابانها و اماکنی که به نام آیت الله منتظری نامگذاری شده بود و جمع آوری رساله و تألیفات ایشان و مزاحمت های ناروا نسبت به بسیاری از شاگردان و علاقه مندان

ایشان ادامه یافت. علاوه بر فعالیت های فیزیکی فوق، تخریب شخصیت آیت الله العظمی منتظری نیز با نوشتن «رنجنامه» و «خاطرات سیاسی»، مقالات توهین آمیز در روزنامه ها، سخنرانی ها و بیانیه های اهانت آمیز از طریق رادیو و تلویزیون و در مجالس و خطبه های نماز جمعه به طور مکرر صورت می گرفت؛ همه این موارد در حالی صورت می گرفت که کوچکترین دفاع از ایشان سرکوب می شد و هیچ نشریه ای جرأت نمی کرد جمله ای در حمایت از معظم له بنویسد.

در اواخر سال ۱۳۶۸ با مطرح شدن مسأله استقراض خارجی، آیت الله منتظری علاوه بر نوشتن نامه ای به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در سخنرانی اعتراضی این مطلب را عنوان کردند که «استقراض خارجی به ضرر مملکت است و به استقلال سیاسی و اجتماعی ما لطمه می زند». این انتقاد موجب شد که عده ای معلوم الحال به سوی بیت ایشان هجوم آورند و پس از دادن شعارهای توهین آمیز و کندن تابلوی دفتر آیت الله منتظری محل را ترک کنند.

در ۲۱ بهمن ۱۳۷۱ در سخنرانی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در اعتراض به جوّ ارعاب و خفقانی که برای برخی از نیروهای مخلص و انقلابی پیش آورده و عده ای - از جمله فرمانده شهید حاج داوود کریمی - را دستگیر و زندانی نموده بودند، ایشان در دفاع از آنان اظهاراتی را در حدود یک ربع ساعت ابراز داشتند. دو روز بعد عده ای در برابر بیت تجمع کرده و با سنگ پرانی و شعارهای توهین آمیز ایجاد اغتشاش نمودند، و سپس صبح روز بعد به محل

درس حمله کرده و عده‌ای از شاگردان ایشان را مضروب و دستگیر کردند، و شب هنگام در ساعت ده شب حدود هزار نفر نیروی نظامی با قطع برق و تلفن‌ها و با محاصره کامل منطقه با کندن دربها به وسیله جرثقیل و شکستن شیشه‌ها به دفتر و حسینیه ایشان حمله کرده و پس از این تهاجم وحشیانه آرشیو دفتر و اموال زیادی را به غارت بردند.

در سال ۱۳۷۳ (پس از درگذشت آیت‌الله اراکی) بار دیگر مسأله مرجعیت آیت‌الله منتظری توسط عده‌ای از علمای حوزه عنوان گردید؛ پس از سخنرانی آقای خامنه‌ای در واکنش به این موضوع، حمله گروههای فشار به بیت ایشان همراه با دادن شعارهای توهین آمیز و شکستن و تخریب صورت گرفت، و فردای آن روز یورش مجدد به محل درس و شکستن تریبون و لوازم حسینیه و تهدید شاگردان انجام شد. در روز ۲۳ آبان سال ۱۳۷۶ مصادف با سیزده رجب - به دلیل احساس خطر در رابطه با مسأله مرجعیت شیعه و حکومتی شدن مرجعیت و دخالت ارگانهای دولتی در آن - ایشان سخنرانی مهمی ایراد داشته که در آن راجع به استقلال کامل قوای سه گانه، مسئول بودن کلیه افراد در برابر قانون و رد فراقانونی بودن رهبری و تأکید بر محدود بودن قدرت آن طبق قانون اساسی، آزادی عمل در انتخاب مرجعیت شیعه، و آزادی تشکل‌های حزبی و گروهی مطالبی را بیان کردند. این بار مخالفین با قدرت‌نمایی کامل و اعزام نیروهایی از سپاه، اطلاعات و بسیج شهرستانهای مختلف ضمن حمله به حسینیه و تخریب و اشغال آن، به منزل مسکونی و دفتر ایشان نیز یورش برده و هرچه در دسترس بود شکستند و پاره کردند و یا به غارت بردند. در حمله به منزل و محل

سکونت ایشان، تعدادی از مسئولین سپاه اصرار داشتند آیت‌الله منتظری را به بهانه حفظ جان به مکان نامعلومی انتقال دهند که با مقاومت ایشان طرح آنان خنثی گشت. حسینیه پس از چند روز که محل استقرار و مانور دادن اشغالگران بود، در حالی که به شکل مخروبه‌ای درآمده و هنوز هم به همان صورت باقی است به حکم دادگاه ویژه روحانیت پلمب گردید؛ و پس از چند روز در یورش مجدد و باز بنا به حکم دادگاه ویژه روحانیت - در زمان دادستانی آقای ری‌شهری - دربهای ورودی به منزل آیت‌الله منتظری مسدود و جوش داده شد و تنها درب ورودی به قسمت داخلی منزل ایشان را باز گذاشتند که این درب نیز به وسیله قرارداد کیوسک و گماردن نیروهای سپاه پاسداران در جلوی آن به طور شبانه‌روزی کنترل می‌شد و بیش از پنج سال ایشان جز با فرزندان و خواهر و برادران و نوه‌های خویش با شخص دیگری اجازه ملاقات نداشت، و به جرم نصیحت و تذکرات خیرخواهانه در منزل مسکونی‌اش زندانی شد؛ وضعی که از عجایب روزگار است!!

در این مدت بارها از سوی مراجع معظم تقلید و علما و اساتید و فرهیختگان حوزه و دانشگاه و مقلدین و علاقه‌مندان ایشان به شکل ارسال نامه یا انتشار اعلامیه و طومار نسبت به این حصر غیرقانونی اعتراض گردید، و فعالان و احزاب سیاسی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دفعات رفع حصر از فقیه عالیقدر را خواستار شدند، اما نه تنها از سوی حاکمیت ترتیب اثر داده نمی‌شد بلکه بعضاً درخواست‌کنندگان مورد تعقیب قضایی قرار می‌گرفتند. در سال ۱۳۷۷ هنگامی که مردم اصفهان تصمیم به تجمع اعتراض آمیز در نماز جمعه

این شهر گرفتند، این اقدام خودجوش با واکنش شدید آقای خامنه‌ای مواجه شد و با جمع‌آوری گروه‌های فشار از شهرهای مختلف در صدد سرکوب آن برآمدند.

حصر آیت‌الله منتظری همچنان ادامه داشت اما اقبال عمومی و توجه رسانه‌های جهانی به فقیه عالیقدر روز به روز افزایش می‌یافت، تا آن‌که سرانجام با شدت یافتن بیماری معظم‌له از یک سو، و فشار علما و مراجع تقلید و مجامع داخلی و بین‌المللی از سوی دیگر، همچنین نامه‌نمایندگان مجلس شورای اسلامی با بیش از یکصد و ده امضا در اعتراض به ادامه این حصر ظالمانه، و نیز بیانیه آیت‌الله طاهری اصفهانی، بالاخره در دهم بهمن ماه ۱۳۸۱ (۲۴ ذی‌الحجه ۱۴۲۳) - پس از گذراندن بیش از پنج سال حصر - آیت‌الله العظمی منتظری آزاد گشته و علما و مردم و علاقه‌مندان امکان دیدار با ایشان را باز یافتند؛ اما با کمال تأسف حسینیه شهدا (محل تدریس ایشان و محل برگزاری نماز جماعت و مجالس سوگواری) همچنان توقیف، و درس‌های حضرت آیت‌الله منتظری در محل دفتر ایشان برگزار می‌گردید.

در سالهای حصر بارها منازل فرزندان و بستگان و شاگردان ایشان مورد حمله و بازرسی قرار گرفت؛ و پس از انتشار محدود کتاب خاطرات آیت‌الله منتظری، دامادها و فرزند جانباز ایشان دستگیر و زندانی گشتند؛ همچنین طرفداران و اطرافیان ایشان نیز بارها مورد تهدید واقع و تعداد زیادی از آنان (حدود دویست نفر) دستگیر و بازداشت شدند.

﴿ جایگاه علمی فقیه عالیقدر ﴾

حضرت آیت‌الله العظمی منتظری آن‌گونه که سیر زندگی و فعالیت‌های علمی ایشان گواهی می‌دهد و همان‌گونه که بسیاری از رجال علمی جامعه و دانشمندان حوزه‌های علمیه نظر داده‌اند، یکی از مجتهدان طراز اول جهان اسلام و خصوصاً جوامع شیعی می‌باشند. این مسأله را بزرگانی چون آیت‌الله العظمی بروجردی و امام خمینی مورد تأکید قرار داده‌اند.

امام خمینی در بسیاری از مسائل احتیاطات خود را به ایشان ارجاع داده‌اند که تفصیل آن در کتاب خاطرات معظم‌له آمده است؛ از جمله در مسأله تعزیرات در پاسخ به شورای نگهبان، مسأله افساد فی الارض در پاسخ به آیت‌الله موسوی اردبیلی، مسأله احتکار، دیه قطع پا، برخی مسائل حج، حق‌الحضانه مادر برای اولاد خود، تعیین حدود موسیقی، تعیین حکم شرعی فرار از جبهه و مسائل مربوط به ارتش و...^(۱)

نکته‌ای که باید به آن توجه شود اینکه اگر یک مجتهد موارد احتیاط خود را به مجتهد دیگری ارجاع دهد، از نظر عرف حوزه‌های علمیه و سیره علما و فقها به این معناست که وی آن مجتهد را بعد از خود از همه مجتهدین و فقهای دیگر برای تقلید شایسته‌تر می‌داند. این شیوه بعد از رحلت آیت‌الله العظمی سیدابوالحسن اصفهانی در شناخت مرجعیت آیت‌الله العظمی بروجردی مورد توجه قرار گرفت، چرا که آن بزرگوار

۱- کتاب خاطرات، ج ۱، صفحات ۴۸۸ الی ۵۰۱، ارجاع مسائل فقهی و سیاسی از سوی امام خمینی (ره)

احتیاطات خود را به آیت‌الله العظمی بروجردی ارجاع داده بود. در اینجا نیز همان‌گونه که ملاحظه کردید آیت‌الله العظمی خمینی بسیاری از مسائلی را که در آن احتیاط کرده بلکه در برخی از آنها که صاحب فتوا بودند به آیت‌الله العظمی منتظری ارجاع دادند، و این نکته در شناخت مرجع اعلم زمان حائز اهمیت است، بخصوص در مورد اخیر یعنی «ارجاع در فتوا» که در تاریخ شیعه - اگر نگوییم بی‌نظیر است - بسیار نادر اتفاق افتاده است.

﴿ آیت‌الله العظمی منتظری در کلام بزرگان ﴾

در اینجا به عنوان نمونه تنها به سخنان علما و فقهای بزرگوار که درباره بُعد علمی آیت‌الله العظمی منتظری (قدس سره) سخن گفته‌اند پرداخته، به طور گذرا و فهرست‌وار کلام آن عزیزان را نقل می‌کنیم:

۱- آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله علیه:

«فقهای جوانتان را از دست ندهید». سؤال شد: چه کسانی را؟ پاسخ دادند: «منتظری‌ها»، (و بعد از کمی مکث): «شیخ حسینعلی‌ها»؛ «... من می‌خواهم آقای منتظری عالم همه مسلمین باشند...»^(۱).

۲- آیت‌الله العظمی امام خمینی رحمته‌الله علیه:

«من ایشان را سالیان درازی است که می‌شناسم، ایشان امروز از

علمای بزرگ ایران و مورد احترام مردم مسلمان است.»^(۱) «... عالمی که پنجاه سال زحمت کشیده است، فقهش از اکثر اینهایی که هستند ثقیل تر است...»^(۲) «... یک فرد بسیار ارزنده‌ای است، ملای متعهدی است، ایشان هم حبس‌ها دیده است، زجرها کشیده است و پخته شده است در این امور.»^(۳) «ایشان ان‌شاء‌الله از مراجع بزرگ می‌شوند و از آنجا که امروز قدرت تدریس هم دارند مفید فایده هستند، روی این جهت آقای منتظری برای مرجعیت باید حفظ شوند...»^(۴) و دهها مورد تجلیل و تمجید دیگر....

۳- آیت‌الله العظمی سید احمد خوانساری رحمته‌الله علیه:

«شما به قم بروید و ضمن تدریس، مطالب خود را بنویسید تا ان‌شاء‌الله برای آیندگان باقی بماند.»^(۵)

۴- آیت‌الله حاج شیخ مرتضی مطهری رحمته‌الله علیه:

«آیت‌الله منتظری از بسیاری از آنهایی که آیت‌الله هستند و در سطح مرجعیت هستند، از خیلی از آنها از نظر علمی ایشان قویتر هستند.»^(۶)

۱- صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۱۶، ۱۳۵۷/۱۰/۲۳

۲- صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۶۳، ۱۳۵۶/۱۰/۱۰

۳- صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۳۶، ۱۳۵۸/۶/۲۵

۴- به نقل از بولتن کمیته انقلاب اسلامی، شماره ۵۵، ۱۳۶۷/۷/۲۷

۵- در دیدار خصوصی حضرت آیت‌الله العظمی منتظری با معظم‌له در تهران پس از آزادی از زندان (نقل به مضمون)

۶- روزنامه اطلاعات، مورخه ۱۳۶۰/۵/۱۱

۵- آیت الله حاج سید محمد حسینی بهشتی رحمته الله علیه:

«امام ایشان (آقای مطهری) را و آقای منتظری را به عنوان دو نمونه از بهترین تربیت شدگان جلسات اخلاق و تدریس و تحقیق خود می‌شناختند، و طبیعی است که امام به فرزند علمی و روحانی برجسته خود علاقه زیاد داشته باشند»^(۱).

«... کسانی که خلّاق نیستند اگر در سال سی‌ام زندگی خود رأیی را بگویند می‌توان آن را به حساب سال هفتادم زندگی‌شان هم گذاشت. می‌پرسیم: رأی آقا درباره فلان مطلب چه بوده، می‌گویند به نوشته‌هایش نگاه کن. می‌خواهد نوشته‌های سال سی‌ام، می‌خواهد نوشته سال هفتاد! همه یک جور است؛ ولی آدمهایی که دارای اندیشه پویا، متحرک و خلّاق هستند، رأیشان درباره یک مطلب امسال با پارسال فرق می‌کند. به قول آیت‌الله منتظری، دوست عزیز و فقیه مجاهد ما «امروز امروز است دیروز دیروز». ایشان اگر دیروز مطلبی را گفته باشد و امروز رأیش عوض شده باشد، می‌گوییم: آقا؛ دیروز شما آن جور گفتید! ایشان می‌گویند: «دیروز دیروز بود امروز امروز است»، یعنی من یک آدم متحجر نیستم؛ دیروز تا حالا فکر کرده‌ام، مطالعه کرده‌ام و به یک جمع بندی تازه رسیده‌ام»^(۲).

۶- آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی رحمته الله علیه:

«والله در اینکه منتظری یک نفر فقیه جامع‌الشرایط است جای شبهه

۱- روزنامه سلام، شماره ۸۵۱، ۱۳۷۳/۲/۱۵

۲- کتاب دکتر شریعتی جستجوگری در مسیر شدن، ص ۲۷

نیست؛ نه حالا فقیه شده باشد، بلکه در حدود سی سال است یا بیشتر، آقای منتظری مجتهد جامع‌الشرایط به تمام معناست...»^(۱).

۷- آیت الله حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی رحمته الله علیه:

«حضرت آیت‌الله منتظری از جمله گروه اول از شاگردان ممتاز امام بود، یعنی می‌توان گفت که ایشان و مرحوم شهید مطهری قبل از دیگران پی به عظمت و مقام امام بردند؛ و در اولین درسی که امام به عنوان درس خارج در اصول و فقه شروع کردند، آیت‌الله منتظری و مرحوم استاد شهید مطهری شاگردان معدود و ممتاز این درس بودند... من به یاد دارم که ایشان در درس امام شرکت می‌کرد و بعد از درس هم اکثراً همراه امام بودند و با امام بحث می‌کردند»^(۲).

۸- آیت الله حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی:

«گذشته از مقام والای علمیت و فقاہت آیت‌الله منتظری که بر همگان واضح است، جنبه زهد و تقوا و فضیلت و مجاهده و مبارزه در راه حق امتیاز بسیار بالایی به ایشان داده است. حضرت ایشان جزو افراد بسیار نادری هستند که هر چه بیشتر انسان به جنابشان نزدیک و آشنا شود، فضائل و کمالات ایشان را بیشتر درک می‌کند»^(۳).

۱- مجله حوزه، شماره ۳، اسفندماه ۱۳۶۲

۲- مجله پیام انقلاب، شماره ۹۱

۳- فقیه عالیقدر، ج ۲، ص ۳۲۴

۹- آیت الله حاج شیخ یوسف صانعی:

«... البته همان وقت هم که ما به حوزه علمیه قم آمدیم و بچه طلبه بودیم، آیت الله منتظری به عنوان یک ملای متدین و متقی معروف بود و مرحوم آیت الله بروجردی قدس سره هم خیلی به ایشان توجه و علاقه و عنایت داشت».^(۱)

«کتاب ارزشمند «دراسات فی ولایة الفقیه» در راستای آثار گرانقدر فقه شیعه از جایگاهی بلند و اهمیتی فراوان برخوردار است؛ این اثر دریای موج خیزی را مانند است که اگر حوزه های علمیه به شیوه استنباط، روش تحقیق و حوصله شگفت انگیز به کار گرفته شده در آن توجه کنند و آن را سرمشق قرار دهند، قطعاً راهی نیکوتر و تحولی مطلوبتر در تفقه و اجتهاد به وجود خواهد آورد...»

تتبع وسیع مؤلف بزرگوار و فقیه عالیقدر از منابع و ادله... دست مایه هائی است که در مسیر اجتهاد از استادش مرحوم آیت الله العظمی بروجردی قدس سره بهره برده است، و در تعمق کتاب و سنت و جداسازی مسائل شرعی از غیر آن از امام امت روحی فداه [قدس الله روحه] سود جسته است. این کتاب یادآور روش «جواهر» و تعمق های شیخ اعظم و بالاخره شیوه عالی اجتهاد شیعه است.

خلاصه کلام اینکه: معظم له آنچه «وسائل شیعه» را در «مبسوط» نمودن بحث ولایت فقیه و خارج کردن آن از بحث جنبی، در مثل کتاب

«البیع» با دقت در «بحار» علوم اهل بیت علیهم السلام به کار گرفته، و ابعاد مسأله را «مهدّب» ساخته، و در راه پیراستن بحثها شیوه «تهذیب» و «تنقیح» را پیشه کرده، که فقیهان را «کافی» و اهل «استبصار» و رهروان فقه حتی «من لا یحضره الفقیه» را «جامع الشتات» ی «وافی» است. فقیه عالیقدر با «تحریر وسیله» و جمع «مدارک» و طی «مسالك»، «لمعه» ها و «جواهر» ها استخراج کرده و در «مستند» سازی مسائل از هیچ «مستمسک» روائی و عقلانی چشم نپوشیده است؛ و لذا «شرایع» دین را در مسأله ولایت فقیه با بیانی «مختصر و نافع» و ادله ای «معتبر» چنان تعلیم فرموده که برای حوزه ها «مفتاح کرامت» و برای «ارشاد اذهان» به «فقه قرآن» و آثار اهل البیت علیهم السلام «زبدة البیان» و «نهایة الاحکام» است...».^(۱)

۱۰- آیت الله حاج سید روح الله خاتمی رحمته الله علیه:

«... ایشان را ما باید بگوییم از نوابغ علمی هستند... ایشان امروز یک نمونه کامل از فقهای گذشته و معاصر هستند...»^(۲) «... الآن ما می توانیم دهها مجتهد مسلم جامع شرایط را پیدا بکنیم که از شاگردان آیت الله منتظری بودند...».^(۳)

۱- مکتوب آیت الله صانعی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مورخه ۶۷/۱۱/۴؛ ایشان در اینجا به صورت براءت استهلال با برشمردن هر یک از کتب معتبر فقهی شیعه تصویر زیبایی از کتاب ارزشمند فقیه عالیقدر ارائه فرموده، که بر اهل نظر پوشیده نیست.

۲- فقیه عالیقدر، ج ۲، ص ۳۲۱

۳- فقیه عالیقدر، ج ۲، ص ۳۷۳

۱۱- آیت الله حاج آقا حسین خادمی رحمته الله علیه:

«آیت الله منتظری نسبت به احیای حوزه مقدسه قم و تدریس علوم و تحویل دادن فضلا و مدرسین به جامعه بسیار صرف وقت نمودند، و مراتب علمی ایشان نزد همگان محرز است...»^(۱)

۱۲- آیت الله حاج شیخ حسن حسن زاده آملی (خطاب به فقیه عالیقدر)

«... من در چند روز قبل مرگ را با تمام وجود دیدم، کفن و کافور خود را آماده کردم، لذا آنچه می گویم نه از برای کسب مقام دنیایی است... من استاد زیاد دیده ام، مرحوم آقا میرزا احمد آشتیانی، مرحوم آقای شعرانی، مرحوم رفیعی قزوینی، مرحوم فاضل تونی، مرحوم الهی قمشه ای، ولی مثل شما ندیدم، تواضع شما، صداقت شما، بی ریایی شما، پاکی شما، حضور ذهن شما را در دیگری ندیدم...»^(۲)

۱۳- آیت الله حاج شیخ ابوالحسن شیرازی رحمته الله علیه:

«آیت الله منتظری از نظر علمی به عقیده بنده در حوزه های علمیه

۱- فقیه عالیقدر، ج ۲، ص ۳۲۱

۲- حضرت آیت الله علامه حسن زاده آملی در ملاقاتی که حضرت آیت الله العظمی منتظری به مناسبت بهبودی ایشان پس از یک دوره بیماری در سال ۱۳۷۰ با معظم له داشتند این جملات را فرمودند و یکی از فضلاء حاضر در جلسه آن را نقل کرده است.

مقام علمی خوبی دارند... معلوماتشان هم از نظر فقاقت برای یک فقیه که اساس مطلب هست بعد از امام، اول حساب می شوند... ایشان از نظر فقاقت واجد هستند، بعد از امام همتا ندارد»^(۱)

۱۴- آیت الله حاج شیخ محمد مؤمن:

«... اگر انسان بخواهد در علمیت کسی اظهار نظر بکند، راه دقیقش این است که وقتی بحثی را تسلط بر آن دارد، اطراف و جوانب اقوال مختلف، روایات را با دقت بررسی می کند، آن وقت است که می تواند نظر بدهد که این عالم از نظر مایه علمی قوی است یا نه، و بنده در کتابی که جناب آقای منتظری در مورد حدود نوشته اند، کنار آن خودمان بحثی داشتیم... کتاب ایشان را هم همه اش را تقریباً مطالعه کردم دقیق و کنارش آنچه مطالعه کردم از کتب فقهی گذشته، کار نداریم. تنها تکمله آقای خوئی بود از علماء و مراجعی که زنده هستند و مرحوم آقای خوانساری هم بود که ایشان به رحمت خدا رفت رضوان الله علیه... و انصاف مطلب شخصاً ایشان را بنده فرد بسیار قوی یافتم و الان عرض می کنم که در مقایسه با آقای خوئی، بنده هیچ نمی توانم بگویم که مثلاً آقای خوئی قوی تر از ایشان است. ممکن است وسوسه کنم راجع به اینکه شهادت بدهم به اعلمیت ایشان، ولی هرگز نمی توانم آقای خوئی را بر ایشان مقدم بدارم از نظر علمی...»^(۲)

۱- فقیه عالیقدر، ج ۲، ص ۳۲۴، چاپ انتشارات سروش

۲- مشروح مذاکرات مجلس خبرگان رهبری، دوره اول، اجلاسیه سوم، تیرماه ۱۳۶۴

۱۵- آیت الله حاج سید محمد موسوی بجنوردی:

«من چون یکی از نزدیکان مرحوم آقا مصطفی بوم و در درس امام و مسافرتها همیشه با هم بودیم، آن مرحوم خیلی از آیت الله منتظری تعریف می کرد، از فقه ایشان تعریف می کرد، از معقول تعریف می کرد، او عقیده داشت آیت الله منتظری در معقول از مرحوم آیت الله مطهری دقیق تر هستند... به نظر شخص من بعد از امام از همه موجودین که الآن هستند - منظور علمای اسلامی در سطح جهان - افضل است. من پیش اینها که الآن در نجف و قم هستند و صاحب رأی می باشند درس رفته ام و کتابهایشان را هم نگاه کرده ام و این را با جدیت می گویم.»^(۱)

۱۶- آیت الله حاج سید جعفر کریمی:

«... الآن وقتی محاسبه می کنم می بینم از نظر فقاهاست درست است ما مراجع عالیقدری داریم پیرمردتر از ایشان، با سابقه تر از ایشان، اما افقه از ایشان بینی و بین ربی این حرف را که دارم می گویم شب اول قبر هم جواب می دهم، در پل صراط هم جواب می دهم، من فقه دیگران را هم دیده ام نه اینکه ندیده قضاوت کنم، افقه از ایشان در مسائل فقهی من ندیدم...»^(۲)

۱- فقیه عالیقدر، ج ۲، صفحات ۴۳۳ و ۴۳۸

۲- مشروح مذاکرات مجلس خبرگان رهبری، دوره اول، اجلاسیه سوم، تیرماه ۱۳۶۴

* * *

در پایان این قسمت لازم است به نامه فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم خطاب به مراجع عظام عراق و ایران - که در سال ۱۳۴۵ در اعتراض به دستگیری آیت الله منتظری نوشته شده بود - اشاره گردد، که در قسمتی از آن آمده است:

«همه می دانند که حضرت آقای منتظری مدظله یکی از بزرگترین اساتید سطوح عالییه بوده و در چند سال اخیر درس خارج ایشان مجمع جمعی از فضلاء حوزه علمیه قم می باشد و بدون اغراق اکثریت طلاب حوزه علمیه قم و بسیاری از مبلغین عالی مقام که هم اکنون در سراسر کشور مشغول تبلیغ و ارشادند از محضر درس این بزرگوار استفاده برده و می برند...»^(۱)

با توجه به تاریخ صدور این اعلامیه (۱۳۴۵ هجری شمسی) و اسامی امضاءکنندگان آن، اهمیت مسأله و منزلت و موقعیت آیت الله العظمی منتظری بیش از پیش روشن می شود. در میان امضاءکنندگان این نامه اسامی حضرات آیات: «محمد فاضل لنکرانی»، «محمد علی گرامی»، «سید مهدی روحانی»، «حسین نوری همدانی»، «حسن زاده آملی»، «محمد مؤمن قمی»، «حسین مظاهری»، «محمد شاه آبادی»، «انصاری شیرازی»، «عبدالله جوادی آملی»، «محمد تقی مصباح یزدی»، «محمدی گیلانی»، «ابوالقاسم خزعلی» و... دیده می شود.

۱- کتاب اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۹۵

﴿ روش فقهی ﴾

در بین فقها دو روش برای اجتهاد معمول است:

الف - روش فقه مجرد.

ب - روش فقه تطبیقی یا مقارنه.

مقصود از «فقه مجرد» بررسی آیات و روایات و نظریات فقط فقهای شیعه در هر مسأله است، و مقصود از «فقه تطبیقی» بررسی آیات و روایات و فتاوی فقهای شیعه و ملاحظه فتاوی فقهای اهل سنت و مدارک آنهاست.

در بین فقها و مراجع اخیر تنها مرحوم آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه روش دوم را انتخاب نموده بودند و این روش را نزدیکتر به صواب و وسیله بهتر فهم نکات دقیق و مبهم موجود در روایات ائمه معصومین علیهم السلام می دانستند. فقیه عالیقدر در تبیین روش فقهی استاد بزرگوار خود می فرماید: «آن مرحوم بارها می گفتند: اکثر روایات اهل بیت به منزله حواشی بر فقه رایج و رسمی زمان آن حضرات می باشد، زیرا فقه رایج و رسمی زمان ائمه معصومین علیهم السلام همان فقه اهل سنت بود و روایات ائمه علیهم السلام در بیشتر موارد نظر به فتاوی رایج زمان دارد؛ از این رو برای فهم صحیح مقصود ائمه معصومین علیهم السلام از روایات آنان، باید فقه رایج زمان آنان را خوب بدانیم تا نکات مورد اشاره روایات معصومین علیهم السلام که به فتاوی رایج نظر دارد را درست درک کنیم...».

فقیه عالیقدر خود نیز روش فقهی و اجتهادی مرحوم آیت الله

العظمی بروجردی را انتخاب نموده اند و در مقام بررسی یک مسأله علاوه بر توجه به آیات و روایات و فتاوی فقهای قدیم و جدید شیعه، روایات و فتاوی اهل سنت را نیز ملاحظه می کنند.

نکته دیگری که در روش فقهی حضرت آیت الله العظمی منتظری حائز اهمیت است توجه خاص ایشان به «اصول متلقات» می باشد؛ به طور کلی مسائل فقهی دو گونه اند: یکی مسائل تفریعی و اجتهادی، و دیگری مسائلی که مستقیماً از اصول جمع آوری شده از کلمات معصومین علیهم السلام اخذ شده است، هر چند بر طبق آنها روایتی در دست نباشد. مرحوم آیت الله العظمی بروجردی معتقد بودند اگر در کتب قدما از فقهای شیعه فتوایی وجود داشت، مطمئناً ریشه آن از معصومین گرفته شده، هر چند آن ریشه در کتب حدیث پیدا نشود. این گونه کتب متخذ از «اصول متلقات» است. آن مرحوم در مقام اجتهاد و افتاء به کتب قدما توجه خاصی داشتند، و فقیه عالیقدر نیز همین روش را به پیروی از استاد بزرگوار خود مورد توجه قرار داده و در مقام افتاء و اجتهاد به فتاوی قدما و کتابهایی که مخصوص ذکر اصول متلقات است توجه مخصوصی نشان دادند.

نکته سوم در روش فقهی معظم له توجه به شرایط صدور روایات و شرایط اجتماعی و ذهنی راویان احادیث است؛ مرحوم آیت الله العظمی بروجردی به این واقعیت توجه داشتند و معتقد بودند شناخت صحیح شرایط راوی و روایت چه بسا به فهم نکات مبهم بعضی روایات کمک نماید؛ و فقیه عالیقدر (قدس سره) نیز این شیوه را در مقام استنباط از روایات مورد نظر قرار می دهند.

﴿ روش تدریس ﴾

فقیه عالیقدر همواره در نقل آرا و نظریات فقها و بزرگان صاحب نظر سعی داشتند عین عبارات آنان را از منابع موجود نقل کنند؛ زیرا در نقل به معنا چه بسا از نکات مورد نظر غفلت شود، و به علاوه صرف آشنایی فضلا با متون فقهی و علمی بزرگان و فقها موجب احاطه بیشتر بر مقاصد آنان و شکوفایی قریحه تحقیق و فقاہت و اجتهاد در افراد خواهد شد.

همچنین معظم له همواره مطالب درسی را پیش از درس به قلم خود به رشته تحریر درمی آوردند و اگر در ضمن تدریس نکات جدیدی به فکرشان رسید بر متن اضافه می کردند؛ و در سالهای اخیر ترتیبی دادند تا دست نوشته های پیش از درس تکثیر و در اختیار شاگردان و علاقه مندان بحث مورد نظر قرار گیرد. این روش هم اکنون مورد استقبال سایر اساتید و طلاب و فضلاء حوزه قرار گرفته است و از طرفی کار دستیابی به منابع و مآخذ آرای فقها را نیز آسان نموده است. از ویژگی های تدریس معظم له آسان کردن سطح مطالب غامض و علمی و تبیین آنها به شکل ساده و به دور از اصطلاحات نامفهوم است. طبق اظهارات معظم له این شیوه را از استاد بزرگوار خود مرحوم آیت الله العظمی بروجردی آموخته بودند.

از مزایای دیگر روش تدریس معظم له توجه به تاریخ و روند مسأله در مجامع فقهی و علمی قدما و بزرگان علمای شیعه و سپس سیر آن در

محافل فقهی اهل سنت می باشد. شکی نیست که اگر تاریخ مسائل و شرایط خاص صدور روایات معصومین علیهم السلام و فتاوی قدمای از فقها بررسی گردد، بسیاری از مبهمات و جوانب نامعلوم فروع فقهی روشن می شود؛ و فقیه عالیقدر تا حدود زیادی این حقیقت را در مقام تدریس مورد توجه قرار می دادند.

﴿ آثار علمی ﴾

آثار پژوهشی و علمی منتشر شده یا در دست انتشار آیت الله العظمی منتظری (رضوان الله تعالی علیه) عبارتند از:

الف: آثار منتشر شده

- ۱- «نهایة الاصول» (تقریر درس اصول مرحوم آیت الله العظمی بروجردی)
- ۲- «البدرازاهر (فی صلاة الجمعة والمسافر)» (تقریر درس فقه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی)
- ۳- «دراسات فی ولاية الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة» در چهار جلد؛ (که به تصدی برخی شاگردان ایشان به فارسی ترجمه شده و ترجمه فارسی آن در هشت جلد با نام «مبانی فقهی حکومت اسلامی» منتشر گردیده است؛ و دو جلد آن هم به اردو ترجمه و چاپ شده است؛ همچنین خلاصه این اثر تحت عنوان «نظام الحکم فی الاسلام» در یک جلد به چاپ رسیده است)

- ۴- «کتاب الزکوة» در چهار جلد
- ۵- «دراسات فی مکاسب المحرمة» در سه جلد
- ۶- «کتاب الخمس والانفال»
- ۷- «محاضرات فی الأصول»
- ۸- «کتاب الصلاة»
- ۹- «کتاب الصوم»
- ۱۰- «مجمع الفوائد»
- ۱۱- «کتاب الحدود»
- ۱۲- «التعليقة على العروة الوثقى»
- ۱۳- «کتاب «خاطرات» در دو جلد
- ۱۴- «کتاب «دیدگاهها» در سه جلد
- ۱۵- «درس‌هایی از نهج البلاغه» در دوازده جلد که سه جلد آن تاکنون چاپ و منتشر شده است.
- ۱۶- «شرح خطبه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)» به زبان فارسی و اردو
- ۱۷- «از آغاز تا انجام» (در گفتگوی دو دانشجو) به زبان فارسی و عربی
- ۱۸- «رسالة توضیح المسائل» به زبانهای فارسی و عربی و اردو
- ۱۹- «رسالة استفتائات» در سه جلد، که جلد چهارم آن هم در حال آماده شدن برای چاپ است.
- ۲۰- «استفتائات مسائل ضمان»
- ۲۱- «رسالة حقوق»

- ۲۲- «احکام پزشکی»
- ۲۳- «معارف و احکام نوجوان»
- ۲۴- «معارف و احکام بانوان»
- ۲۵- «احکام و مناسک حج» به زبانهای فارسی و عربی، و «احکام عمره مفرده»
- ۲۶- «اسلام دین فطرت» به زبانهای فارسی و عربی
- ۲۷- «موعود ادیان» به زبانهای فارسی و عربی
- ۲۸- «الأفق أو الآفاق (في مسألة الهلال)»
- ۲۹- «رسالة مفتوحة (رداً على دعايات شنيعة على الشيعة و تراثهم)»
- ۳۰- «مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر»
- ۳۱- «حکومت دینی و حقوق انسان»
- ۳۲- «مبانی نظری نبوت»
- ۳۳- «سفیر حق و صغیر وحی»
- ب: آثار منتشر نشده**
- ۱- مباحث فقهی «الشركة»، «الغصب»، «الاجارة» و «الوصية» (تقرير درسهای مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی)
- ۲- مباحث «قطع» و «استصحاب» (تقرير درسهای مرحوم آیت‌الله العظمی خمینی)
- ۳- «درس‌هایی از منظومه حکمت مرحوم سبزواری»
- ۴- «درس‌هایی از اصول کافی»

۵- «درس‌هایی از روضه کافی»

۶- «نقدی بر شبهات بهائیان»

۷- «پاسخ به پرسش‌های قرآنی»

۸- «پاسخ به پرسش‌های دینی»

۹- «پاسخ به شبهات مربوط به تحدی قرآن»

۱۰- «پاسخ به شبهات مربوط به معجزه و اثبات نبوت با آن»

۱۱- «کتاب الحج»

۱۲- «صلاة مسافر»

۱۳- «سبب المؤمن»

۱۴- «درس‌هایی از تحف العقول»

۱۵- «درس‌هایی از جامع السعادات»

۱۶- مجموعه عظیمی از سخنرانی‌ها که در دیدار با مردم و به

مناسبت‌های مختلف ایراد شده است.

﴿شاگردان﴾

فقیه عالیقدر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری (قدس سره) بیش از شصت سال در حوزه‌های علمیه بر کرسی تدریس تکیه زده و شاگردان بسیاری را به جامعه اسلامی تحویل دادند؛ و همان‌طور که در بیانیه علما و فضلاء حوزه علمیه قم مورخ ۱۳۴۵ آمده بود اکثر فضلاء و طلاب در آن زمان در درس معظم‌له حاضر شده و از ایشان کسب فیض نموده‌اند.

در اینجا توجه شما را به سخنان حجة الاسلام والمسلمین خامنه‌ای در این باره جلب می‌نماییم:

«اینجا (نماز جمعه) مسند فقیهی همچون آیت‌الله منتظری استاد بزرگوار ما، استاد بزرگوار حوزه علمیه است... آیت‌الله منتظری این فقیه امید آینده ملت ایران به حوزه علمیه قم باز می‌گردد تا فقیه بسازد، تا تربیت کند، تا انسانهای عالیقدر که باید همچون رگه‌های حیات در همه شریانهای این ملت در طول تاریخ جریان داشته باشند...»^(۱)

همچنین حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی می‌گوید:

«به طور کلی نقش ایشان در حوزه بسیار نیرومند است، چون کمتر طلبه فاضلی ما از آن دوره داریم که شاگرد ایشان نباشد. ما یک وقت نشستیم و حساب کردیم، دیدیم هرچه روحانی مؤثری در سراسر کشور، چه پیشنهاد چه واعظ چه نویسنده و آنهایی که توی فرهنگ و دانشگاه بودند، از کسانی بودند که در درس ایشان می‌رفتند».^(۲)

هر چند با توجه به مدت زمان طولانی تدریس فقیه عالیقدر در حوزه علمیه شاگردان ایشان به دوره‌های متفاوتی تقسیم می‌شوند، ولی به طور کلی شاگردان معظم‌له را می‌توان به دو دوره تقسیم نمود:

دوره اول: کسانی که در سالهای اولیه (سه دهه پیش از پیروزی انقلاب) در درس ایشان شرکت داشته‌اند.

دوره دوم: کسانی که در سالهای اخیر (پس از پیروزی انقلاب) از محضر معظم‌له کسب فیض نموده‌اند.

۱- در مکتب جمعه، ج ۲

۲- مجله حوزه، شماره ۱۱

شایسته و لازم است در اینجا اسامی جمعی از شاگردان مبرّز فقیه عالیقدر را که در دروس «فقه»، «اصول»، «فلسفه» و یا «سطح» معظم له شرکت کرده‌اند به عنوان نمونه نام ببریم.

﴿ حضرات آیات و حجج اسلام ﴾

حاج سید مصطفی خمینی (ره)، حاج سید موسی صدر، حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی (ره)، حاج شیخ یوسف صانعی، حاج شیخ محمد علی گرامی، حاج شیخ نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (ره)، حاج شیخ محمد رضا مهدوی کنی، حاج سید علی محقق داماد، حاج آقا مجتبی تهرانی، حاج سید علی خامنه‌ای، حاج شیخ اکبر هاشمی رفسنجانی، حاج شیخ یحیی انصاری شیرازی، حاج شیخ محمد مهدی ربانی املشی (ره)، حاج شیخ محمد محمدی گیلانی، حاج شیخ صادق خلخالی (ره)، حاج سید عباس خاتم یزدی (ره)، حاج سید جعفر کریمی، حاج شیخ مهدی باقری کنی، حاج سید باقر خوانساری، حاج سید مهدی یثربی کاشانی (ره)، حاج آقا مرتضی تهرانی، حاج سید حسن طاهری خرم‌آبادی، حاج شیخ محمد امامی کاشانی، حاج شیخ عباس محفوظی، حاج شیخ حسن لاهوتی (ره)، حاج شیخ محمد ایمانی گیلانی، حاج شیخ رضا استادی، حاج آقا احمد امامی اصفهانی (ره)، حاج شیخ صادق احسان‌بخش (ره)، حاج شیخ محمد علی فیض گیلانی، حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی (ره)، حاج شیخ غلامحسین جمی (ره)، حاج سید محمد موسوی بجنوردی، حاج سید ابوالفضل موسوی تبریزی (ره)، دکتر سید مهدی شهیدی (ره)، دکتر سید

یحیی یثربی، حاج شیخ محمد باقر محی‌الدین انواری، حاج سید محمد حسینی کاشانی، حاج سید ابوالحسن موسوی همدانی، حاج شیخ محمد رضا توسلی (ره)، حاج شیخ محمد حسن احمدی فقیه، حاج شیخ محمد حسین احمدی فقیه، حاج شیخ غلامحسین ایزدی، حاج شیخ محمد عبایی خراسانی (ره)، حاج شیخ محمد حسین نابغ آیتی بیرجندی (ره)، حاج سید مصطفی محقق داماد، حاج شیخ محمد منتظری (ره)، حاج شیخ احمد منتظری، حاج سید هادی هاشمی، حاج شیخ مهدی کروبی، حاج شیخ مهدی شاه‌آبادی (ره)، حاج شیخ علی موحدی ساوجی (ره)، حاج شیخ محمد علی امینیان، حاج شیخ عباسعلی عمید زنجانی، حاج شیخ زین‌العابدین قربانی، حاج سید محمد موسوی خوئینی‌ها، حاج سید محمد خاتمی، حاج شیخ علی دوانی (ره)، حاج شیخ مرتضی فهیم کرمانی، حاج شیخ محسن کدیور، حاج شیخ عبدالله نوری، حاج سید علی حسینی اشکوری، حاج سید علی اصغر ناظم‌زاده قمی، حاج شیخ غلامرضا سلطانی (ره)، حاج شیخ احمد احمدی، حاج سید حسین موسوی تبریزی، حاج شیخ عبدالمجید معادینخواه، حاج سید محمد علی ایازی، حاج شیخ محمد صادق کاملان، حاج شیخ محمد عبداللهیان، حاج شیخ محمد علی مهدوی راد، حاج سید ابوالفضل موسویان، حاج شیخ محمد تقی فاضل میبدی، حاج شیخ احمد رضا اسدی اصفهانی، حاج شیخ احمد قابل، حاج شیخ هادی قابل، حاج شیخ محسن قرائتی، حاج شیخ مصطفی زمانی (ره)، حاج آقا کمال فقیه ایمانی، حاج شیخ محمد باقر ذوالقدری (ره) و صدها عالم و مجتهد دیگر.

﴿رحلت﴾

بزرگ پاسبان تشیع علوی، رادمرد قهرمان و شجاع اسلام و ایران، اسطوره مقاومت، مجاهدت، فقاہت و دینداری، سرمایه کم‌یاب مسلمانی و آزادگی، فقیه عالیقدر و مجاهد نستوه آیت‌الله العظمی حاج شیخ حسینعلی منتظری (قدس الله نفسه الزکیه)، سرانجام در نیمه شب سوم محرم الحرام ۱۴۳۱ (۲۹ آذرماه ۱۳۸۸) شربت وصال نوشید و در جوار رحمت پروردگار قرار گرفت.

ارتحال ملکوتی و مظلومانه او موج عظیمی از حرکت خودجوش مردمی را در کشور ایجاد نمود و با وجود ضیق وقت و ممانعت‌های آشکار و غیر آشکار، سوگی ملی را در کشور پدید آورد و صدها هزار نفر از توده‌های مردمی، پیکر رنجور و آرام یافته او را تشییع و در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) در جوار فرزند شهیدش -محمد منتظری- به خاک سپردند.

اقتدار مختلف، اعم از مراجع عظام، علمای اعلام، جمعیت‌ها و گروه‌ها، نخبگان و فعالان سیاسی داخل و خارج کشور، دانشجویان و سایر طبقات در این سوگ عظیم اظهار تأسف و تأثر نمودند و هر کدام به نحوی مراتب تأثر خود را از فقدان مرجعی بزرگ که عمر خود را در راه علم و جهاد و اجتهاد و آزادی و احقاق حقوق مردم محروم و بی‌پناه سپری نموده بود، اظهار داشتند؛ انسان موحد و آزاده‌ای که به تمامی جلوه‌های پر فریب زندگی همچون پست و مقام و منصب شجاعانه «نه»

گفت و در این مسیر همچون مولا و مقتدایش علی (علیه السلام) تهمت‌ها و ناسزاها شنید و مدتهای مدید خانه‌نشین گشت و صبورانه تحمل نمود؛ و پس از رحلتش انتظار این بود که به پاس احترام به مقام فقاہت و مرجعیت، همگان بتوانند در مجالس ختم و سوگواری آن مرجع آزاده شرکت کنند، که متأسفانه سیاست‌های نابخردانه چیز دیگری را رقم زد و در شهرهای دیگر نیز اوضاع به همین منوال گذشت.

«اللهمَّ انا نرغب اليك في دولة كريمة تعزُّ بها الاسلام و اهله

و تذللُّ بها النفاق و اهله»

«والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته»

اسفندماه ۱۳۸۸ - ربیع الاول ۱۴۳۱

